

ما در ایران مهمان امام خمینی بودیم

□ ایگزیزانف ایسماکیل خاکیمیانویچ

گزارش نویسی در روسیه و جمهوریهای سابق دارای ادبیات و زمینه نیرومندی است. مقدمه: با ابتکار و نظر به توجهات شیخ «نافیگومه حضرت عاشیرف» که در سال ۱۹۹۸ در سمت ریاست کمیته اجرایی مرکز عالی هماهنگی ادارات دینی مسلمانان روسیه فدراتیو به کار اشتغال داشت و اکنون در پست ریاست مفتی اعظم ادارات دینی مسلمانان بخش آسیایی روسیه فدراتیو مشغول به کار می باشد و همچنین با مساعدت و التفات سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه فدراتیو «آقای مهدی صفری» در اوایل سال ۱۹۹۸ یکسری دوره های آموزشی در ارتباط با دین اسلام برای روحانیون و کارکنان امور دینی انجمن های

اشاره: آنچه در پی می آید بخشهای عمده ای از کتاب «ما، در ایران میهمان امام خمینی بودیم» نوشته «ایگزیزانف ایسماکیل خاکیمیانویچ» است که با ویراستاری جزئی به نظر خوانندگان گرامی می رسد. نویسنده از رهبران مذهبی روسیه است که در این کتاب گزارشی از سفر خود را به ایران - با همراهی عده ای دیگر از رهبران مذهبی جمهوریهای شوروی سابق - عرضه می دارد. شاید بعضی از بخشهای گزارش برای خوانندگان ایران چندان جالب توجه نباشد ولی به هر حال برای آگاهی از دیدگاه دیگران و نکات مورد توجه آنان خالی از لطف نیست، بویژه که کارهایی مانند شرح حال نویسی، سفرنامه نویسی یا



مسلمانان روسیه فدراتیو با هدف ارتقاء سطح مهارت حرفه‌ای دینی آنان در جمهوری اسلامی ایران سازماندهی شد.

در همین ارتباط بود که ما (پیشوایان انجمن‌های اسلامی و جوامع مسلمانان) تعدادی از شهرها، استانها و جمهوری‌های روسیه فدراتیو و شخصیت‌های مذهبی دیگر) در مسکو گرد آمدیم تا به اتفاق به جمهوری اسلامی ایران پرواز کنیم.

در فرودگاه بین‌المللی مسکو «شیریمیتووا-۲» پس از راهنمایی‌های پندآمیز و ابراز آرزوهای نیک از طرف شیخ «نافیگومه» حضرت عاشیرف و رئیس مرکز فرهنگ اسلامی روسیه فدراتیو و یکی از نمایندگان دوما‌ی دولتی «عبدولواخیت نیازف» که همراه با تعدادی از کارکنان سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو به منظور بدرقه ما به فرودگاه آمده بودند، سوار بر هواپیمایی شدیم که قرار بود ما را به جمهوری اسلامی ایران برساند. بدین ترتیب، هواپیمای «توپولف-۱۵۴» ما اوج گرفت و مسیر خود را به سمت پایتخت ایران «تهران» ادامه داد.

اعضای گروه ما

گروه ما شامل بیست و چهار نفر بود که در داخل هواپیما در میان مسافرینی که قرار بود



به جمهوری اسلامی ایران بروند، نشسته بودند. در زیر در ارتباط با هر يك از آنها اطلاعات مختصری را ذکر می‌نمایم:

۱) آخماذ اولین موناویر آخماذشاریفوویچ. او پیشوای مسلمانان جمعیت اسلامی روستای «کارالاجوک» واقع در ناحیه «دورتولینسکی» جمهوری «باشقیرستان» می‌باشد.

۲) بازیگیتف سانسزبای بایگینژینوویچ. معاون رئیس جمعیت مسلمانان «کورگان».

۳) بیکمولین گالیمزبان میسباخوویچ. امام مسجد جامع «تومین». او نسبت به ساخت مسجدی در «تومین» دلسوزی و بذل توجه بسیار زیادی را از خود ابراز داشت. بطوریکه مراسم باشکوهی به مناسبت افتتاح این مسجد مجلل و بسیار خوب در ماه «اکتبر» سال ۱۹۹۷ برگزار شد. هیئت دستگاه اداری شهر «تومین» یک دستگاه اتومبیل نو «ولگا» به این مسجد اهداء کرد. آقای بیکمولین گالیمزبان میسباخوویچ رئیس هیئت اعزامی ما به جمهوری اسلامی ایران بود.

۴) واسیلکارائوف رامیل نایلوویچ. وی بعنوان رئیس امور مربوط به اداره دینی مسلمانان جمهوری «باشقیرستان» می‌باشد. او یکی از شخصیت‌های محترم مذهبی این اداره دینی است. نامبرده برای دومین مرتبه

است که به ایران می‌آمد. او مراسم حج در مکه معظمه را نیز بجای آورده است.

۵) واخیتف آخمت گالیاسکاروویچ. امام مسجد جامع «یاناول» جمهوری باشقیرستان.

۶) گاریفولین فاتیح. رئیس حوزه علمیه «تومین». او سردبیر (مدیرکل) روزنامه «مسلمانان سبیری» می‌باشد. وی همواره کوشش و انرژی زیادی را در امور مربوط به احیاء دین اسلام در منطقه سبیری روسیه فدراتیو بکار می‌بندد. نامبرده بعنوان یکی از رجال فعال در تبلیغات و گسترش ارزش‌های اسلامی، ویرگیهای مربوط به فرهنگ ملی، آداب و رسوم خلق‌های سبیری محسوب می‌شود.

۷) ایگیزیانف ایسماگیل خاکیمیانوویچ. پیشوای دینی جمعیت مسلمان ناحیه «کاتاف - ایوانفسک» در استان چیلیابین.

۸) ایسانبیردین رامیل رافاایلووویچ. پیشوای دینی جمعیت مسلمان شهر «دورتول» جمهوری باشقیرستان. نامبرده دلسوزی و بذل توجه بسیار زیادی را نسبت به احداث مسجد بسیار زیبایی در شهر خودش ابراز داشته است. او بصورتی فعالانه در آموزش موازین و احکام دین اسلام اهالی این منطقه شرکت می‌جوید. وی مراسم حج در

مکه را بجای آورده است.

۹) ایساکایف گابدولله. رئیس جمعیت مسلمان شهر «کورگان».

۱۰) کاریمف آخمت موخامیتووویچ. پیشوای دینی جمعیت مسلمان شهر «بایماک» در جمهوری باشقیرستان.

۱۱) کاریمف صالوات (صلوات) ساریمووویچ. معاون رئیس جمعیت مسلمان شهر «کورگان».

۱۲) موستافین خلیل نوتفولووویچ. امام مسجد روستای «چورنایا ریچکا» (رودخانه کوچک) در استان «تسکایا».

۱۳) نیازف ولید (والریان) باکیروویچ. امام مسجد «أمسک».

۱۴. عُمراف آزکین. رئیس شورای اعضاء سنی (بزرگان قبیله) مسجد «أمسک».

۱۵) ساگیف زاگیر راخماتولینووویچ. امام مسجد موسوم به مسجد «امام» واقع در شهر «نایابرسک» منطقه (حوزه) خودمختار «یامالو - نیتیتسکی».

۱۶) ساتیف رازومبای. امام مسجد جامع شهر «چیتا».

۱۷) ستیپچینکو ابوطالب (آناتولی) آندریووویچ. رئیس مرکز اسلامی «داغوات» در أمسک. نامبرده روس می‌باشد. همچنین مادر او روس است، ولیکن پدرش آلمانی



است. همسر ابوطالب نیز روس است. ابوطالب (او قبل از اینکه مسلمان شود، نامش «آناتولی» بود) در سال ۱۹۹۰ به دین اسلام روی آورد. او ضمن دوره‌های آموزشی دین اسلام در بیشکیک، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران با دین اسلام آشنا شد. پسر او «سراج‌الدین» (سرگی) در انستیتوی اسلامی بیشکیک تحصیل نموده است و در حال حاضر نیز در یک دانشکده اسلامی بین‌المللی در عربستان سعودی مشغول تحصیل می‌باشد. وی دارای دختری بنام «فاطمه» می‌باشد (قبل از اینکه به دین مبین اسلام روی آورد، نام دخترش «کسینیا» بود). دختر ابوطالب خودش بطور مستقل به فراگیری موازین و احکام دین اسلام مشغول می‌باشد و کلیه فرایض دینی را انجام می‌دهد.

۱۸) سوخف حسن خوسا اینوویچ. پیشوای دینی جمعیت مسلمان «ساراشسک».

۱۹) فاریدیف راسوف راسولوویچ. امام مسجد ناحیه «نیفتیکامسک» در جمهوری باشقیرستان.

۲۰) خازاشف علی. پیشوای دینی جمعیت مسلمان «تالین» و «استونی».

۲۱) خاریشف مارات خالیموویچ. معاون

رئیس امور مربوط به اداره دینی جمهوری «باشقیرستان». او برای دومین مرتبه است که به جمهوری اسلامی ایران می‌آید.

۲۲) شامشوعالینف خابادیل. رئیس مسجد «امام» در اُمسک.

۲۳) شاپیف نکسانبای کایکینوویچ. امام مسجد جامع خایر - احسان» در اُمسک.

۲۴) شایاخمیٹف آخمیت موخامیتوویچ. پیشوای دینی جمعیت مسلمان روستای «عسکاروا» در ناحیه آبزلیلیفسکی واقع در جمهوری «باشقیرستان».

اطلاعات مختصری در مورد راهنمایان و سازماندهندگان مسافرت پیشوایان دینی روسیه فدراتیو به جمهوری اسلامی ایران

۱) آقای مهدی صفری. سفیر جمهوری اسلامی ایران در شهر «مسکو». آقای صفری برای توسعه و تکامل همکاری دوجانبه میان ایران و روسیه فدراتیو اهمیت بسیار زیادی قائل می‌باشد. همکاری سیاسی و اقتصادی میان دو کشور مذکور در حال حاضر در شرایطی قرار دارد که روزبه روز توسعه و تکامل عمیق تری را بدست می‌آورد.

با مساعدت آقای مهدی صفری بود که ما توانستیم در ماههای «فوریه - مارس» سال ۱۹۹۸ به جمهوری اسلامی ایران سفر نماییم



و دوره‌های دینی کوتاه‌مدتی را که در جمهوری اسلامی ایران برای ما سازماندهی شده بود، پشت سر بگذاریم. در ایران ما را به عنوان میهمانان عالیرتبه امام خمینی پذیرا شدند. در ایران ما با سیستم اداره کشور که با بهره‌گیری از موازین الهی (دینی) توسط حکومت پایه‌گذاری شده است و همچنین با زندگی ملت ایران آشنا شدیم و بدین ترتیب، دانش و معلومات خودمان را در ارتباط با اسلام تکمیل‌تر نمودیم. این مسافرت برای همه ما ثمربخش و سودمند واقع شد.

ما به جهت بذل توجه و مساعدتی که آقای مهدی صفری در سازماندهی این مسافرت جالب و مفید ائمه روسیه فدراتیو به ایران، یعنی به وطن امام خمینی از خود نشان داد، سپاسگزاری و امتنان عمیق خودمان را از وی ابراز می‌داریم.

همچنین ما از رئیس دفتر نمایندگی فرهنگی ایران در مسکو «آقای مهدی سنایی» که در سازماندهی سفر ما به جمهوری اسلامی ایران شرکت فعالانه و کارسازی را داشت، سپاسگزاری می‌نماییم.

بعلاوه، ما از رئیس محترم گروه‌های «حضرت مالیک» بسیار تشکر می‌نماییم. او نخستین کسی بود که ما را در سرزمین ایران ملاقات کرد، و پس از آنهم در طول تمام

□ مُفتی‌های ادارات دینی منطقه‌ای ما در روسیه فدراتیو نیز درست به همان صورتی که امام خمینی امر نموده است، در راه اسلام حرکت می‌کنند

□ در مرقد امام همیشه ازدحام زیادی از عاشقان امام خمینی وجود دارد. در آنجا معلمین مدارس مقطع ابتدایی در کنار دیواره‌های مقبره امام در سرفه‌هایی را به شاگردان خودشان می‌دهند



روزهایی که ما در جمهوری اسلامی ایران اقامت داشتیم همراه ما بود. او در طول این سفر ما را همراهی می نمود و ریاست کلیه امور مربوط به سفر ما را به عهده داشت. اصل و نسب او از ایران می باشد، اما او در مسکو تحصیل نموده است و به زبان روسی بخوبی مسلط می باشد.

ما دعا نموده و از خداوند متعال خواستاریم که یکبار دیگر این امکان را برای ما فراهم نماید که به آرزوی خودمان برسیم، یعنی التماس دعا داریم که یکبار دیگر سرزمین جمهوری اسلامی ایران را با حضرت مالیک دیدار نماییم.

ما از صمیم قلب سلامت و کامیابی، شکوفایی و رونق و همچنین رفاه را برای جمهوری اسلامی ایران و ملت این کشور آرزو می نماییم. همچنین ما آرزومند موفقیت روزافزون در تشکیل يك حکومت اسلامی مقتدر و بسیار عالی (نمونه و الگو برای تمام دنیا) هستیم.

شیخ نافیکوگله حضرت عاشیرف (مفتی اعظم اداره دینی مسلمانان بخش آسیایی روسیه فدراتیو) نیز در سازماندهی سفر ما به جمهوری اسلامی ایران توجه و تلاش زیادی را از خود ابراز نمود. شیخ نافیکوگله تلاش و انرژی زیادی را از خود در راستای احیاء دین

مبین اسلام در روسیه فدراتیو بکار می بندند. طبق ابتکار عمل ایشان است که تاکنون گردهم آیی ها، کنفرانس ها و سمینارهای بسیار بزرگ اسلامی در سطح روسیه فدراتیو و در سطوح بین المللی برگزار شده است و برگزار می گردد. بطوریکه، خود او نیز در این نشست ها شرکت فعالانه ای دارد. او همواره در بسیاری دیدارها با رجال سرشناس دینی و سیاسی شرکت می جوید. از برکت اقدامات و کوششهای فعالانه او بود که با شروع سال ۱۹۹۲ تغییرات بنیادین و بسیار بزرگ در اداره و هدایت جمعیت های مسلمان روسیه فدراتیو به وقوع پیوست. به طوریکه، ادارات دینی جدیدی برای مسلمانان ایجاد گردید. زیرا ادارات قدیمی مسلمانان این کشور در حقیقت به عنوان ترمزی در مسیر توسعه اسلام در روسیه فدراتیو بود.

گذشت زمان ثابت کرد که اقدامات شرافتمندانه و جوانمردانه نافیکوگله حضرت عاشیرف در ارتباط با دفاع و صیانت از اسلام که در روسیه فدراتیو تأسیس ادارات دینی مقتدر و توانایی را برای مسلمانان پی ریزی کرد، اقداماتی صحیح و به موقع و به جا بود. در اثر همین اقدامات او بود که ادارات دینی منطقه ای به جمعیت های مسلمان و در نتیجه به خود مسلمانان نزدیک شدند. همین



موضوع، شرایط مساعدی را برای حلّ عملی مسائل و مشکلات انجمن‌های مسلمانان بوجود آورد.

سیستم اداره و هدایت جمعیت‌های مسلمان کشور عظیم ما از طریق ادارات دینی منطقه‌ای در مرحله کنونی به عنوان قابل قبول‌ترین و حتی بهترین سیستم محسوب می‌شود. اکنون مفتی‌های جوان، تحصیل‌کرده، مبتکر، با انرژی و دارای پشتکار بسیار زیادی ریاست ادارات جدید دینی مسلمانان را در روسیه فدراتیو به عهده دارند.

پس از شروع سال ۱۹۹۲ در ناحیه «اوفا» توسط یک گروه مبتکر تغییراتی در ساختار اداره و هدایت جمعیت‌های مسلمان روسیه فدراتیو در راستای دفاع، حفظ و توسعه اسلام صورت گرفت که مسلمانان جمهوری‌های باشقیرستان و تاتارستان در کنگره‌های خود شدیداً از اقدامات این گروه مبتکر حمایت و پشتیبانی نمودند.

در همین ارتباط، بیش از ۲۰ اداره دینی منطقه‌ای تحت ریاست یک اداره واحد متمرکز و دموکراسی مسلمانان تأسیس شد. اداره مذکور بعنوان «شورای مفتی‌های روسیه فدراتیو» نام گرفت و «راویل گاینوتدین» ریاست این شورارا عهده‌دار شد.

با ابتکار عمل همین گروه مبتکر بود که اسلام در روسیه فدراتیو از یوغ ادارات دینی قدیمی مسلمانان «اوفا» رهایی جست. به طوریکه، به عقیده ما اصلاحات و تحوّل‌ی انقلابی در ساختار اداره جمعیت‌های مسلمان روسیه فدراتیو به وقوع پیوست که آن را می‌توان مشابه انقلاب اسلامی در ایران دانست.

در اینجا جا دارد که به یکی از کلمات قصار امام خمینی اشاره نمایم: «دفاع و صیانت از اسلام در لحظات سخت یک تکلیف الهی و ملی است که برای کلیه اقشار و گروه‌های ملت واجب است. پاسداری از اسلام به عنوان بالاترین عبادت محسوب می‌شود و من شما را دعوت می‌نمایم که نسبت به اسلام وفادار باشید.»

مفتی‌های ادارات دینی منطقه‌ای ما در روسیه فدراتیو نیز درست به همان صورتی که امام خمینی امر نموده است، در راه اسلام حرکت می‌کنند. در انتهای این بخش از عبدلوحید نیازف نام می‌برم. او به عنوان یکی از رجال فعال در احیاء و گسترش اسلام در روسیه فدراتیو می‌باشد. وی سالهای زیادی است که ریاست و هدایت مرکز فرهنگ اسلامی روسیه را عهده‌دار است. نامبرده رهبر یکی از جنبش‌های سیاسی سرتاسر روسیه



فدراتیو به نام «رفاه» می‌باشد، در ضمن به عنوان نماینده پارلمان روسیه فدراتیو «دوما» می‌باشد که همواره در جهت صیانت از ارزش‌های دینی، اخلاقی، روحی و فرهنگی مسلمانان و خلق‌های اصیل روسیه فدراتیو حرکت می‌نماید.

عبدلوحید نیازف نیز بطور مشترک با «نافیگولله حضرت عاشیرف» دوره‌های آموزشی را برای ائمه روسیه فدراتیو در جمهوری اسلامی ایران سازماندهی نمود.

در وطن امام خمینی

شب دیر هنگام بود که ما به تهران «پایتخت ایران» رسیدیم. هنگامی که در داخل هواپیما بر فراز تهران پرواز می‌کردیم، از بالا این شهر زیبا را که غرق در چراغ‌های برق شده بود و سوسو زدن لامپ‌های برق چشمان هر بیننده‌ای را به خود خیره می‌کرد، مشاهده کردیم. شهر «تهران» منطقه بسیار وسیعی از دامنه سلسله جبال البرز را دربر گرفته است.

طبق برنامه‌ای که برای ما در نظر گرفته شده بود، روز پس از ورودمان به آرامگاه امام خمینی رفتیم. مرقد مطهر ایشان در مجموعه‌ای با سایر عمارات دیگر قرار گرفته است که محدوده نسبتاً بزرگی را دربر می‌گیرد. خود مزار امام به اندازه ۱۰×۸ متر و ارتفاع

آن بیشتر از سه متر نیست که در داخل مسجد بزرگی با ظرفیت دهها هزار نفر قرار دارد. در داخل مرقد امام خمینی دو مقبره قرار دارد که در آنجا امام خمینی و پسر ۴۶ ساله او دفن شده‌اند. در بالای هر یک از مزارها یک روپوش سبز رنگ کشیده شده است و بر بالای آن کتاب مقدس مسلمانان «قرآن» قرار داده شده است. این دو مزار از طریق جداره‌های شیشه‌ای مقبره به وضوح قابل مشاهده هستند.

هر یک از زائرین در هنگام ورود به داخل این مسجد باید کفش‌های خود را در بیاورد و آن را به کفشداری مسجد تحویل دهد. در آنجا همیشه ازدحام زیادی از عاشقان امام خمینی وجود دارد. در آنجا معلمین مدارس مقطع ابتدایی در کنار دیواره‌های مقبره امام درس‌هایی را به شاگردان خودشان می‌دهند. بچه‌ها در گوشه و کنار مقبره می‌نشینند و تحت رهبری معلمین خودشان با صدای بلند سرودهایی را در ارتباط با امام خمینی تمرین و حفظ می‌نمایند. در گوشه‌ای دیگر از این مسجد بزرگ معلمین مطالبی را برای شاگردان خود تعریف می‌کنند. پس از سپری شدن یک مدت زمان، دانش‌آموزان مذکور مسجد را ترک نموده و شاگردان دیگری جای آنان را می‌گیرند.



کلیه کسانی که در این مرقد مطهر حضور می‌یابند، خواندن نماز را به عنوان اولین وظیفه خود در آنجا می‌دانند. همانطوری که برای همگان مشهود است، در سال ۱۹۷۹ تحت هدایت و رهبری امام خمینی در ایران انقلاب اسلامی به پیروزی رسید که در آن زمان نه فقط به عنوان ممتازترین رویداد در ایران محسوب می‌شد، بلکه تأثیر بسیار زیادی را بر تمام دنیا گذاشت. به همین دلیل است که ملت ایران نسبت به بنیانگذار نخستین حکومت اسلامی در ایران احترام و ارزش بسیار زیادی قائل است. به طوری که تصاویر امام را در همه جا، حتی در داخل اطاق‌های کارشان نصب نموده‌اند. غالباً می‌توان سخنان، کلمات قصار و ارشادهای او را بر روی دیواره‌های ساختمانهای شهر مشاهده نمود.

در همان روز بود که قاضی کل دادستان ایران ما را به نزد خود دعوت نمودند. پس از انجام گردش کوتاهی او و همکارانش ما را به صرف یک فنجان چای دعوت نمودند و در آنجا ما را با سیستم اداره حکومت آشنا کردند. ارگان‌های قانونگذاری، اجرایی و قضایی ایران فقط مطابق با قوانین اسلام و احکام (مقررات) شریعت پایه گذاری و به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

□ پس از اتمام مراسم نماز تعداد زیادی از ایرانیان به سمت ما سرازیر شدند تا اینکه ما را ببینند و حضور ما را در آنجا خوش آمد بگویند

□ در طول دیدارهایمان در گالری‌های بزرگ عکس، املاک و عمارتهای شیک و مجلل شاه سابق ایران و خانه بسیار کوچک و متواضعانه‌ای که امام خمینی در سالهای آخر حیات خود در آن زندگی می‌کرد، حضور یافتیم



پس از سرنگونی رژیم شاه بود که جهان‌بینی واقعی اسلامی در این کشور به پیروزی رسید. اهالی ایران امیدوار هستند که در کشورشان يك جامعه اسلامی بسیار عالی و الگو برای تمام جهان بر پایه احکام الهی ایجاد خواهد شد.

ما را در ایران در يك شهرك حكومتي كه معمولاً امام خمینی میهمانان خارجی خود را در آنجا می‌پذیرفت، جای دادند. به گروه پیشوایان دینی روسیه فدراتیو در آنجا اظهار داشتند که: «شما اکنون در سرزمین ایران باستان، یعنی در جایی که رژیم پادشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران به رهبری رهبر کبیر انقلاب اسلامی «امام خمینی» سرنگون شد و جمهوری اسلامی به جای آن بر سریر قدرت قرار گرفت، حضور دارید. شما در اینجا قبل از هر چیز دیگری به عنوان میهمانان امام خمینی هستید.» مسلم است که يك چنین میهمان‌نوازی باعث خوشحالی ما شد.

ما را در روزهای کاری هر روز به دانشگاه دولتی اسلامی می‌بردند. در آنجا اساتیدی که دارای تخصص بسیار بالا و مهارت عالی بودند سطح دانش و معلومات ما را در ارتباط با قوانین الهی اسلام و احکام شریعت عمیق‌تر و کاملتر می‌کردند. در آنجا روند آموزش تا حدودی با نحوه آموزش در کشور ما



متفاوت است. به طوریکه هر درس یکساعت و نیم (۹۰ دقیقه) ادامه دارد، سپس بین هر درس نیم ساعت استراحت در نظر گرفته می‌شود. در هنگام ظهر نیز پس از يك استراحت دو ساعته که به نماز و نهار اختصاص داده شده است، دروس ادامه پیدا می‌کنند. اساتید در این دانشگاه با گنج بر روی تخته‌های مخصوص آموزش مطالب خودشان را نمی‌نویسند، یعنی به همان نحوی که در کشور ما هست، عمل نمی‌کنند. در آنجا اساتید با ماژیک‌های مخصوص مطالب خودشان را بر روی تخته‌های سفید رنگی می‌نویسند. سپس یادداشت‌های آنان توسط تخته پاک‌کن‌های مخصوصی به راحتی پاک می‌شود. اساتید در حال نشستن در پشت تریبون دروس خود را ارائه می‌دهند. در آنجا مردها و زنها به طور جداگانه و در ساختمانهای مختلف تحصیل می‌کنند. در ضمن، ساختمانهایی که زنها در داخل آنها تحصیل می‌کنند توسط حصارهای بلند فلزی از سایر ساختمانهای آموزشی جدا شده است. يك چنین سیستم آموزشی درست مطابق با سیستمی است که اسلام مشخص نموده است. در هر يك از ساختمانهای آموزشی سالن‌هایی وجود دارد که برای نماز خواندن اختصاص داده شده است.

مسجد دانشگاه تهران و اطراف آن به عنوان یکی از عظیم‌ترین مساجد می‌باشد. به طوریکه در آنجا بالغ بر یک میلیون نفر می‌توانند به طور همزمان نماز خود را بخوانند. ولیکن به خاطر محدود بودن میادین و فضاهای موجود کلیه کسانی که تمایل دارند در نماز جماعت در این مسجد شرکت جویند، موفق نمی‌شوند در این مسجد حاضر شوند. پس از اتمام نماز جمعه اینگونه به نظرمان آمد که سیل جمعیت نمازگزاران به پایان نخواهد رسید. زنها بصورت جمعیت بسیار انبوهی از مسجد خارج شدند و سرتاسر خیابانهای اطراف را پُر نمودند. همه آنها از سر تا پا خودشان را با پوشش‌های سیاه رنگی پوشانیده بودند (حجاب اسلامی).

بدین ترتیب بود که ما شاهد یک رویداد بسیار جالبی بودیم. هنگامی که ازدحام بی‌شمار زنانی که از مسجد خارج می‌شدند، تمام شد و راه برای ما باز شد تا خودمان را به خیابان دیگری برسانیم، در آنجا تظاهراتی را مشاهده کردیم. هزاران نفر ضمن اینکه مشت‌های خود را گره کرده بودند و تکان می‌دادند، با صدای بلندی فریاد می‌زدند. دو دستگاه تریلر که با پارچه سیاه رنگی پوشیده شده بودند در میان انبوه جمعیت در حرکت بودند. بر روی این تریلرها جعبه‌هایی قرار

داشت که شباهت زیادی به تابوت داشتند. ما از مترجم پرسیدیم که این راهپیمایی بخاطر چیست و مردم به خاطر چه چیزی اینچنین فریاد می‌کشند. او به ما این گونه پاسخ داد: «این تظاهرات بر علیه سیاست آمریکا و اسرائیل می‌باشد. مردم در فریادهای خودشان «مرگ بر آمریکا! مرگ بر اسرائیل!» می‌گویند. «باید یادآور شوم که رادیو و تلویزیون تهران که جهت فیلمبرداری از این مراسم در آنجا حضور پیدا کرده بود، از توجه به ما ائمه روسیه فدراتیو نیز غافل نبود. به طوریکه در هنگام شب همان روز بود که ما خودمان را بر روی صفحه تلویزیون دیدیم. در حین نماز خواندن در داخل مسجد دانشگاه از ما نیز فیلمبرداری شده بود. به طور کلی، ما از برخورد و استقبالی که در این مراسم باشکوه نماز جمعه از ما به عمل آمد، خشنود بودیم. هنگامی که امام جمعه از طریق میکروفون دانشگاه اعلام کرد که تعدادی از پیشوایان دینی مسلمانان روسیه فدراتیو در جمع نمازگزاران این هفته حضور دارند، پس از اتمام مراسم نماز تعداد زیادی از ایرانیان به سمت ما سرازیر شدند تا اینکه ما را ببینند و حضور ما را در آنجا خوش آمد بگویند. آنها با تشکیل یک صف طویل در آنجا با احترام زیادی برای ما دست تکان می‌دادند و با ما



احوالپرسی می‌کردند. در ضمن، اغلب آنها سعی داشتند که کارت‌پستال‌هایی با مناظر تهران، سوغاتی‌هایی، مجلات و شماره‌های جدید روزنامه‌ها را به عنوان یادگاری به ما بدهند. يك چنین نيك خواهی و استقبال باشکوه در ما تأثیر زیادی گذاشت، به طوریکه سرتاسر وجود ما را خوشحالی فرا گرفته بود.

هر روز پس از بازگشت از دانشگاه به هتل، یعنی پس از به پایان رسیدن دروس روزانه همه ما را برای گردش و بازدید به جایی می‌بردند. بدین ترتیب بود که ما از چندین موزه، پارک، باغ‌وحش و... دیدن نمودیم و ضمن استراحت با فرهنگ دیرینه ملت ایران آشنا شدیم. همچنین در طول دیدارهایمان در گالری‌های بزرگ عکس، املاک و عمارت‌های شیک و مجلل شاه سابق ایران «محمدرضا پهلوی» و خانه بسیار کوچک و متواضعانه‌ای که امام خمینی در سالهای آخر حیات خود در داخل آن زندگی می‌کرد، حضور یافتیم.

در شهر «قم»

شهر «قم» در فاصله ۱۲۰ کیلومتری جنوب تهران قرار دارد. ایرانیان شهر قم را به عنوان یکی از شهرهای مقدس کشورشان



می‌دانند. در این شهر تعداد زیادی آموزشگاه عالی علمی و دینی موسوم به «حوزه علمیه» وجود دارد. شهر مذکور به عنوان یکی از مراکز علمی - دینی مسلمانان با گرایش به مکتب شیعه محسوب می‌شود.

هنگامی که ما در این شهر به یکی از آموزشگاه‌های عالی علمی - دینی که در آنجا جوانانی از کشورهای بسیار زیادی (منجمله از روسیه فدراتیو) تحصیل می‌کنند، نزدیک شدیم پرفسورها (اساتید) و دانشجویان این آموزشگاه عالی به استقبال ما آمدند و از ما به گرمی پذیرایی نمودند. در آنجا پس از آشنایی با زندگی دانشجویان بود که ما در مسجد این آموزشگاه عالی گرد آمدیم. اساتید این حوزه علمیه حضور ما را در سرزمین مقدسشان، یعنی در شهری که اکنون ۱۲ قرن است به عنوان مرکز علوم اسلامی است و نسل‌های زیادی از رجال دینی در آنجا تحصیل نموده‌اند، تبریک گفتند. امام خمینی نیز يك زمانی در همین جا تحصیل می‌کرد. او در سالهای اخیر به عنوان یکی از اساتید مطرح اصول و مبانی اسلام در این آموزشگاه عالی به حساب می‌آمد.

درست در همین شهر بود که رهبر کبیر ملت ایران «امام خمینی» همراه با دانشجویان مرکز علمی الهیات (علوم دینی)

جنبش انقلاب اسلامی را پایه‌گذاری نمود. سپس ادامه همین جنبش بود که در سال ۱۹۷۹ به پیروزی رسید. امروزه شهر «قم» نه فقط برای ایران بلکه برای تعداد زیادی از کشورهای جهان بعنوان مهمترین مرکز اسلامی محسوب می‌شود. در این شهر دهها هزار دانشجو از کشورهای اسلامی و غیراسلامی تحصیل می‌کنند. آنها در آنجا علوم مختلف اسلامی، فقه، احادیث، قرآن، تاریخ و فلسفه و همچنین علوم عرفی، یعنی ریاضیات، فیزیک، شیمی، نجوم و... را فرامی‌گیرند. در شهر قم تعداد زیادی مسجد وجود دارد که مطابق با معماری شرقی ساخته شده‌اند و این مساجد آنقدر زیبا هستند که تماشای آنها تأثیر زیادی را بر روی انسانها می‌گذارد.

در کتابخانه شهر «قم»

پس از انجام نماز جماعت با اساتید و دانشجویان در مسجد آموزشگاه عالی علمی - دینی، از ما دعوت کردند تا در یکی از بزرگترین کتابخانه‌های شهر قم حضور یابیم و از آن دیدن کنیم. در همین ارتباط، ما داخل يك ساختمان بسیار زیبای چند طبقه‌ای شدیم. این ساختمان به سبک معماری شرقی ساخته شده بود. کتابخانه

□ امروزه شهر «قم» نه فقط برای ایران بلکه برای تعداد زیادی از کشورهای جهان بعنوان مهمترین مرکز اسلامی محسوب می‌شود

□ در شهر قم تعداد زیادی مسجد وجود دارد که مطابق با معماری شرقی ساخته شده‌اند و این مساجد آنقدر زیبا هستند که تماشای آنها تأثیر زیادی بر روی انسانها می‌گذارد



مذکور در زمینی به مساحت ۱۶۰۰۰ متر مربع بنا شده است و تعداد ۲۸۳۰۰ جلد کتابهای مختلف دینی دست‌نویس که تعداد زیادی از آنها را دانشمندان اسلامی نوشته‌اند، در آنجا وجود دارد. در این کتابخانه علاوه بر کتابهای دینی تعداد زیادی کتاب در ارتباط با جغرافیا، فیزیک، ریاضیات، فلسفه، نجوم و... هست. کلیه کتابهای موجود در این کتابخانه بطور کل به زبانهای فارسی، عربی، آلمانی، فرانسوی، ترکی استانبولی، اردو و انگلیسی هستند. تعداد زیادی از دست‌نویس‌ها توسط چاپخانه اختصاصی کتابخانه تجدید چاپ می‌شوند. در این کتابخانه نسخه‌های دست‌نویس و کتابهای بسیار قدیمی که بالغ بر ۵۰۰ سال عمر دارند، نگاهداری می‌شوند.

در آنجا ما همچنین کتابی را در ارتباط با نجوم دیدیم که پنج قرن قبل منتشر شده بود. کتابخانه مذکور دارای کتب قرآنی است که در قرنهای پنجم و ششم چاپ شده‌اند. همچنین در آنجا یک کتاب قرآن وجود دارد که با موی اسب بر روی نوار باریکی با عرض ۱۰ سانتیمتر نوشته شده است و ۳۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد.

به دلیل برنامه نسبتاً فشرده‌ای که در شهر

«قم» برای ما سازماندهی شده بود، ما فقط توانستیم از دو طبقه این کتابخانه دیدن نماییم. در سالن اصلی کتابخانه مذکور کتابها بر روی طبقاتی تا سقف نگاهداری می‌شوند. این طبقات به وسیله سرپوش‌های شیشه‌ای پوشانیده شده‌اند. به غیر از پرسنلی که در این سالن مشغول به کار هستند معمولاً هیچکس دیگری را راه نمی‌دهند. اما در مورد ما استثناء قائل شدند. درجه حرارت و رطوبت هوا در این مکان بوسیله دستگاه‌هایی بطور اتوماتیک کنترل می‌شود تا میکروب‌ها نتوانند به کتابها آسیب برسانند. همواره در زمان مقرر شده یک مخلوط هوا مرکب از ترکیب‌های شیمیایی را وارد می‌کنند. در صورت افزایش درجه حرارت هوا و یا بروز دود یا بوهای متفرقه دستگاه‌های مذکور به طور خودکار به کار می‌افتند و در عرض پنج ثانیه تمام هوای موجود در این انبار کتاب را خارج می‌نمایند.

کلیه کتابهایی که وارد این کتابخانه می‌شوند و همچنین تمام دست‌نویس‌هایی که جهت نگاهداری به این کتابخانه سپرده می‌شوند، قبل از اینکه بر روی طبقات محل نگاهداری جای گیرند، مرحله آماده‌سازی ترموشیمیایی (مطالعه در مورد کیفیت تغییرات گرمایی واکنش‌های شیمیایی) را



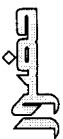
پشت سر می‌گذارند. به همین منظور، آنها را در داخل يك محفظهٔ نفوذناپذیر قرار می‌دهند و سپس يك ترکیب مخصوص شیمیایی را وارد محفظه می‌نمایند. این کتابهای تازه به مدت ۷۲ ساعت در شرایط درجه حرارت معینی در داخل این محفظه نگاه داشته می‌شوند.

کارکنان علمی این کتابخانه برای ما توضیح دادند که هر کتابی درست همانند انسان ممکن است به بیماری‌های خاصی مبتلا شود و چنانچه اقدامات به موقع جهت رفع آن انجام نپذیرد، این بیماری ممکن است منجر به نابودی کتاب شود. در اثر همین روش علمی است که در آنجا شرایط لازم برای يك حیات طولانی برای کتابها بوجود می‌آید.

در این کتابخانه شعبه‌ای در ارتباط با تعمیر و بازسازی کتابها وجود دارد. هنگامیکه ما از این کتابخانه دیدن می‌نمودیم، کلیهٔ دستگاهها و پروسهٔ پیچیدهٔ تعمیر و بازسازی کتابها را به ما نشان دادند. به دلیل وجود يك چنین بخشی در این کتابخانه این است که برخی اوقات کتابها و دست‌نویس‌هایی را با کیفیت‌های مختلف به این کتابخانه تقدیم می‌نمایند که برخی از آنها به وسیلهٔ سازمانها و اشخاص مختلف و برخی دیگر توسط

مراکز علمی به آنجا هدیه می‌شوند. این کتب و دست‌نویس‌های منحصر به فرد غالباً با قصور و از روی مسامحه‌کاری نگاهداری شده‌اند و یا اینکه با بی‌مبالاتی به کار گرفته شده‌اند. به همین دلیل است که آنها با عیوب مختلفی که دارند، جهت نگاهداری شدن وارد این کتابخانه می‌شوند، گاهی اوقات لبهٔ آنها تاخورده است، گاهی نیز صفحات آنها پاره پاره شده است و برخی اوقات نیز صفحات این کتابها پوسیده می‌شود. بنابراین، در همین شعبه است که این کتابها و دست‌نویس‌ها ترمیم و بازسازی می‌شوند.

کتابخانهٔ شهر «قم» از طریق يك مرکز بین‌المللی کامپیوتر با ۴۰۰ کتابخانهٔ جهان، من جمله با کتابخانه‌هایی در کانادا، ایالات متحدهٔ آمریکا، فرانسه، انگلستان و کلیهٔ کشورهای عربی در ارتباط می‌باشد. مرکز مذکور برای کتابخانه این امکان را فراهم می‌نماید که در عرض مدت کوتاهی هرگونه اطلاعاتی را با کتابخانه‌های معتبر جهان مبادله کند. در همانجا میکروفیلم ویدئویی تهیه می‌کنند که هر يك از این میکروفیلم‌ها تعداد شانزده کتاب را در داخل خود جای می‌دهد. اقدام مذکور در هنگام تبادل اطلاعات با سایر کتابخانه‌های جهان بسیار اهمیت دارد.



در شعبه دیگری با کمک علم الکترونیک می‌توانند اندازه کتابها و دست‌نوشته‌ها را افزایش یا کاهش دهند و در صورت تمایل می‌توانند صفحات آنها را رنگی یا سیاه و سفید نمایند.

بطورکلی، کتابهای این کتابخانه به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی می‌باشند. در آنجا به زبان روسی کتاب وجود ندارد. هر روز ۲۰۰۰ - ۱۵۰۰ نفر جهت مطالعه و پژوهش به این کتابخانه می‌آیند.

پس از ورود به داخل این کتابخانه هم می‌توان کتاب مورد نظر را از روی طبقات محل نگاهداری کتابها برداشت و پس از نشستن در پشت میز در سالن مطالعه آنرا مطالعه نمود و هم اینکه در صورت تمایل می‌توان به سالن ویژه‌ای که در آنجا می‌توان کتاب مورد نظر را بر روی کامپیوتر انتخاب کرد، رفت و سپس تمام آن را بر روی صفحه مانیتور مطالعه نمود و یا اینکه از مباحث خاصی اطلاعات مورد نیاز را بدست آورد. زیرا کلیه کتابهای کتابخانه مذکور بر روی میکروفیلم‌هایی ضبط شده است.

در این کتابخانه به منظور تأمین امنیت لازم در نقاط بسیار زیادی از ساختمان آن دوربین‌های ویدئویی نصب شده است که

ترندهای موجود در این ساختمان را کنترل می‌نمایند. متأسفانه ما فرصت پیدا نکردیم که با این کتابخانه منحصر به فردی که در سال ۱۹۹۹ نودمین سالگرد آن جشن گرفته شد، به طور کامل آشنا شویم.

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در سن ۱۶ سالگی با ابتکار شخصی و تلاش خودش ساخت این کتابخانه منحصر به فرد را شروع کرد. برجسته نبودن احساس ضرورت برای احداث یک چنین کتابخانه‌ای در سالهای جوانی او و همچنین بارز نبودن اهمیت کار او برای اجتماع آن زمان در راستای جمع‌آوری کتابهای قدیم و دست‌نویس‌ها از جمله عواملی بودند که باعث شروع احداث این کتابخانه در شهر «قم» شد، کتابخانه‌ای که بعدها اهمیت جهانی پیدا کرد. آیت‌الله مرعشی نجفی تمام زندگی طولانی خودش را وقف امور مربوط به کتابخانه مذکور نمود. وی به مدت ۸۰ سال به عنوان مدیر و اداره‌کننده این کتابخانه عظیم و بسیار باشکوه بود. او به طور همزمان به فعالیت‌های مربوط به ساخت و ساز ساختمان این کتابخانه می‌پرداخت و آن را با تجهیزات مدرن و پیچیده الکترونیکی مجهز می‌نمود.



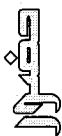
آیت‌الله مرعشی نجفی که برای ملت ایران از احترام بسیار بالایی برخوردار است تمام زندگی خود را وقف خدمتگزاری به ملت، اسلام و توسعه علوم دینی نمود. او در سال ۱۹۸۹ در سن ۹۶ سالگی ضمن اینکه تا آخرین روز زندگی خود در همین پست قرار داشت، وفات نمود (دامت برکاته!).

او در وصیت‌نامه خود قبل از مرگ نوشت: «من را در داخل این کتابخانه دفن کنید تا اینکه مردمی که به اینجا می‌آیند از کنار مزار من نیز بگذرند.»

به وصیت او عمل شد، به طوریکه او را در داخل ساختمان کتابخانه در راهروی طبقه اول نزدیک درب ورودی اصلی دفن کردند. بر روی مزار او آرامگاهی را که در حدود $۱/۵ \times ۲/۵$ متر می‌باشد و ارتفاع آن کمی بیشتر از ۲ متر می‌باشد، ساختند. هر شخصی که وارد این کتابخانه می‌شود به محض ورود به داخل سالن از کنار مزار او می‌گذرد و پس از توقفی کوتاه در آنجا دعای اهل قبور را برای او می‌خواند و بر مزار او بوسه می‌زند. ما نیز همین کار را کردیم. سپس در آنجا با تصاویری از روش زندگی او که بر روی دیواره‌های راهرو در نزدیکی مزار او نصب شده بود، آشنا شدیم (انشاءالله قبر او پر نور و روحش شاد شود). پس از وفات

□ هرکس که در ایران از شهر «اصفهان» دیدن ننموده باشد، انگار که اصلاً در ایران نبوده است

□ ۴۰۰ سال قبل معماران و مهندسين این منطقه از جهان آنقدر دقیق، خیره و صاحب‌نظر در کار خودشان بودند که باهوش بسیار بالای خود توانسته بودند به صورت جالبی موضوع مربوط به آکوستیک (علم مربوط به انتشار صوت) را در احداث مساجد بسیار بزرگ حل کنند



آیت‌الله مرعشی نجفی پسر بزرگش «دکتر محمود مرعشی» مدیر و ریاست این کتابخانه را عهده‌دار شد. کتابخانه هر روز از ساعت ۷/۵ صبح تا ۹/۵ شب کار می‌کند. همچنین ما در شهر «قم» از یک کتابفروشی بسیار بزرگ که در آنجا کتابهایی به زبانهای مختلف جهان وجود دارد، دیدن کردیم. ما در آنجا با میل و رغبت زیادی تعدادی کتاب دینی به زبان روسی به یادبود دیدارمان از قم خریداری کردیم. من شخصاً یک جلد کتاب قرآن که توسط «والریا پاراخاویا» به زبان روسی ترجمه شده بود، خریدم. دیدار ما از این کتابفروشی و شهر «قم» در مورخه ۲۵ «فوریه» سال ۱۹۹۸ صورت گرفت.

در شهر «اصفهان»

اصفهان به عنوان یکی از بزرگترین شهرهای کشور ایران است. این شهر بر روی جلگه‌ای پهناور به فاصله ۴۱۴ کیلومتری جنوب تهران واقع شده است. این شهر در حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت دارد. اصفهان از لحاظ جمعیت پس از شهرهای تهران و مشهد مقام سوم را در کشور ایران دارد. شهر زیبا و قدیمی «اصفهان» از زمانهای قدیم دانشمندان، شعرا، نقاشان،



معماران، استادکاران صنعت، تجار و سیل پایان‌ناپذیر توریست‌ها را مجذوب خود نموده است. و احتمالاً به همین دلیل است که امروز این شهر را «نصف جهان» می‌نامند، هرکس که در ایران از شهر «اصفهان» دیدن ننموده باشد، انگار که اصلاً در ایران نبوده است و یا به قول ایرانیان «برای دیدن ایران، در ابتدا باید در اصفهان حضور یافت».

ما پیشوایان دینی روسیه فدراتیو نیز در طول اقامت خودمان در ایران این سعادت و بخت را پیدا کردیم که از این شهر قدیمی بسیار مجلل و باشکوه و مرکز صنعت ایران دیدن کنیم. در این شهر با کمک کشور ما یک کارخانه فلزسازی (ذوب آهن) ساخته شده است. این کارخانه توان صنعتی لازم را برای کارخانه‌های سیمان، قند و پالایشگاه‌های نفت ایران و همچنین برای اهداف و تأسیسات صنعت دفاعی و کارخانه‌های مربوط به تولید دستگاه‌های پزشکی، کارخانه‌های صنایع سبک از قبیل کارخانه‌های مخصوص تولید کفش، نساجی و ... تکمیل و تأمین می‌نماید.

بیش از ۹۰ واحد صنعتی و اقتصادی با کمک متخصصین شوروی در ایران ساخته شده است که منجمله می‌توان به کارخانه‌های ماشین‌سازی، لوله‌های گاز

ماوراء ایران، کارخانه ماهی، سیلوه‌ها و ایستگاه‌های راه‌آهن، خطوط راه‌آهن، بنادر دریایی در سواحل دریای خزر و سیستم آبیاری ایران اشاره نمود.

احتمالاً به همین دلیل است که ایرانیان برخوردی احترام‌آمیز نسبت به روسها و کلیه کسانی که از این سرزمین به ایران می‌آیند، دارند. در همین ارتباط، در شهر «اصفهان» ما را به عنوان میهمانان عالیقدر امام خمینی محسوب نمودند و ما را در یکی از بهترین هتل‌های موجود در خاور نزدیک، یعنی در هتل «شاه‌عباس» اسکان دادند.

این هتل که مدت زیادی از ساخت آن نمی‌گذرد (در دهه ۶۰ میلادی) دقیقاً در مرکز شهر اصفهان در خیابان «شهید آیت‌الله مدنی» واقع شده است و برای توریست‌ها دارای جاذبه‌ها و جاهای دیدنی بسیار زیادی است. این هتل نه فقط در میان هتل‌های موجود در اصفهان بلکه در مقایسه با کلیه هتل‌های موجود در کشورهای عربی و بطورکلی در خاور نزدیک بی‌نظیر می‌باشد. هتل مذکور با استفاده از معماری اسلامی بنا شده است و نمای روی آن با تجمل بی‌نظیر و فوق‌العاده‌ای روسازی گردیده است. در

داخل آن نیز سالن‌ها و رستورانهای بسیار زیبایی وجود دارد که «رستوران طلایی» و

□ من از مشاهده این همه زیبایی در این مسجد آنقدر سراسیمه شده بودم که قابل توصیف نمی‌باشد، حتی فکر نمی‌کردم که يك روز يك چنین زیبایی را بتوانم بینم

□ به عقیده من، این استادکاران و هنرمندان ایرانی که قادرند معماری بسیار زیبای اسلامی را به نمایش بگذارند در جهان بی‌نظیر هستند

□ خاطره‌ی مربوط به این شاعر بزرگ ایرانی [فردوسی] برای يك مدت طولانی در قلبهای ما باقی خواهد ماند



«رستوران نقره‌ای» نامیده می‌شوند. پله‌های مارپیچ این هتل و همچنین راه‌پله‌ها و اطاق‌های آن بوسیلهٔ فرش‌های بسیار زیبایی پوشانده شده است، در همه جای این هتل گلدان و آثار بُرنزی قلمکاری شده استادکاران اصفهانی وجود دارد. پنجره‌های این هتل با تصاویری که بر روی قالی‌های پهن شدهٔ روی کف وجود دارد، نقاشی شده‌اند. به طوریکه تصاویر نقش‌بسته شده بر روی پنجره‌ها و فرش‌ها همخوانی دارند. هتل «شاه‌عبّاس» دارای محوطهٔ فوق‌العاده زیبایی است که توریست‌های خارجی، تَبَّار ثروتمند و میهمانان اعیان و نامی را همواره بسوی خود جلب می‌نماید.

یک موقعی، در زمانی که احداث کارخانهٔ ذوب‌آهن اصفهان با کمک اتحاد جماهیر شوروی انجام می‌شد، از رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی «نیکلای ویکتورویچ پادگورنی» در همین هتل پذیرایی کردند. در اینجا در ماه «مارس» سال ۱۹۷۳ رئیس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی «آلکسی نیکلایویچ کاسیکین» که به مناسبت سال جشن مربوط به تولید و راه‌اندازی این کارخانهٔ ذوب‌آهن حضور یافته بود، اقامت گزیده بود.

شهر «اصفهان» از طریق ساختمانها و



عمارات بسیار مجلّل و باشکوهش که به سبک معماری اسلامی ساخته شده‌اند و همچنین از طریق آثار تاریخی بی‌شماری که دارد، معروفیت خاصی را در بین جهانیان کسب نموده است. یکی از آثار تاریخی و معروف این شهر که در حدود ۴۰۰ سال قبل تأسیس شده است و از معماری بسیار زیبایی برخوردار می‌باشد، مسجد «شاه‌عبّاس» است که این مسجد در حال حاضر نیز فعال می‌باشد. رشد و شکوفایی اصفهان با دوران حکومت همین شاه در ارتباط می‌باشد (اواخر قرن شانزدهم - اوایل قرن هفدهم). اندازهٔ این مسجد انسان را مات و مبهوت می‌نماید. طول آن ۵۶۰ متر و عرض آن ۲۱۰ متر می‌باشد. مسجد مذکور دارای حیاطی داخلی به مساحت بالغ بر هشت هکتار است. هر روز جمعه در اینجا در هوای آزاد نمازجمعه برگزار می‌شود، به طوریکه ۱۲۰ هزار نفر مسلمان به طور همزمان در این حیاط نماز می‌خوانند.

این مسجد مجلّل و باشکوه دارای معماری فارسی (ایرانی) است و به دلیل آرایش زیبای دیواره‌های داخلی آن و گنبد‌های رؤیایی و افسانه‌ای‌اش شهرت دارد. میناکاری آبی آسمانی، آبی، نارنجی و سبز رنگ به کار برده شده در مسجد مذکور

نه فقط چشمها را به خود خیره می‌نماید، بلکه موجب مسرت و شادی دلها می‌گردد.

دروازه ورودی اصلی این اثر تاریخی دارای پوششی از جنس طلا و نقره می‌باشد. در زیر تنها سقف این بنای تاریخی تعداد زیادی صحن نماز با اندازه‌های مختلف، تعداد زیادی فروشگاه که استادکاران بسیاری در داخل آنها مشغول به کار هستند، وجود دارد. یک زمانی شاه‌عباس همراه با زنهای خود در همین جازندگی می‌کرد.

در آن زمانهای قدیم، یعنی هنگامیکه مسجد «شاه‌عباس» را ساختند بلندگو، میکروفون و علوم مربوط به قدرت و تحرک برق وجود نداشت. اما صدای امام جماعت در نماز می‌بایستی به طور مناسب و همزمان در همه جا طنین‌انداز می‌شد و در تمام گوشه‌های این سالن بسیار بزرگ که هزاران مسلمان به طور همزمان به او اقتدا می‌کردند و پشت سر او نماز می‌خواندند توسط نمازگزاران شنیده می‌شد. این طور به نظر می‌رسد که در ۴۰۰ سال قبل معماران و مهندسين این منطقه از جهان آنقدر دقیق، خیره و صاحب‌نظر در کار خودشان بودند که باهوش بسیار بالای خود توانسته بودند به صورت جالبی موضوع مربوط به آکوستیک (علم مربوط به انتشار صوت) را در احداث

مساجد بسیار بزرگ حل کنند.

امامی که نماز جماعت را در سالن بزرگ مسجد انجام می‌دهد، بایستی در نقطه معینی از مسجد قرار گیرد. این نقطه بر روی کف مسجد توسط یک سنگ مرمرین سفید رنگ به شکل مربع مشخص شده است. و کلماتی که توسط امام جماعت ادا می‌شود، از این نقطه مربع شکل طنین‌انداز می‌شود سپس به وسیله شکل خاص گنبد‌های مسجد در سقف تقویت می‌گردد و بلافاصله این صوت تقویت شده به تمام بخش‌های سالن بزرگ منتقل می‌شود و توسط کلیه مسلمانان که نماز را برپا می‌دارند، شنیده می‌شود.

ما نیز با مشاهده یک چنین تکنولوژی مربوط به چهار قرن پیش متعجب شده بودیم. به طوری که به ترتیب بر روی سنگ نه چندان بزرگ مرمری که در وسط این سالن بزرگ قرار داشت، می‌ایستادیم و با صدایی آهسته کلمه‌ای را بر زبان می‌آوردیم، بلافاصله این کلمه تقویت می‌شد و بطور یکسان در تمام گوشه‌های این سالن بزرگ شنیده می‌شد. بدین ترتیب بود که در هنگام قرائت نماز بوسیله امام جماعت، کلماتی را که او بر زبان جاری می‌نمود به طور یکسان در هر نقطه‌ای از این سالن بسیار عظیم شنیده می‌شد. این تکنولوژی در آن زمان در



اثر طراحی خاص گنبدها و سقف‌های مسجد که توسط استادکاران خبره و قدیمی طراحی شده بود، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در حال حاضر ضرورتی برای يك چنین اقدامی وجود ندارد. الساعه در کلیه مساجد کوچک و بزرگ میکروفون‌ها، آمپلی‌فایرها و بلندگوها به خدمت گرفته می‌شوند. مسجد شاه عباس از لحاظ زیبایی بی‌نظیر و از لحاظ اندازه بسیار عظیم و باشکوه می‌باشد، به طوریکه به عنوان یکی از بزرگترین آثار تاریخی و معماری ایرانیان محسوب می‌شود. در کلیه نقاط این مسجد و بر روی دروازه‌های آن آیاتی از قرآن به زبان عربی نوشته شده است. هر يك از صحن‌های نماز دارای رنگ مخصوص به خود است که هر طایفه یا قبیله‌ای در سالن مخصوص خود نماز می‌خوانده است. بدین ترتیب، سالن شاهنشاهی دارای رنگ نارنجی بوده و به غیر از شاه و خانواده او هیچکس دیگری حق نماز خواندن در این سالن را نداشت. در طبقه اول این مسجد عظیم و باشکوه تعداد بی‌شماری مغازه، دکان، کارگاه‌های مخصوص صنایع دستی، پستخانه، دفتر تلگراف و تلفن، بوفه، رستوران، کافه و... وجود دارد.



محل استقرار این مغازه‌ها و کارگاه‌ها به نحوی مناسب انتخاب شده است که برای نوجوانان این امکان را فراهم می‌نماید تا با موتور گازی‌ها و دوچرخه‌های ظریف و زیبای خودشان به راحتی به آنجا تردد نمایند و بدون اینکه وسیله نقلیه خود را در جایی پارک کنند و یا اینکه حتی بدون پیاده شدن از آنها خریدهای خود را انجام دهند. این موتور گازی و دوچرخه‌ها در همه جا در میان خریداران پیاده مشاهده می‌شوند. قبلاً که ما، در کشور عربستان سعودی بودیم، يك چنین صحنه‌ای را ضمن حضور در مغازه‌های آنجا دیده بودیم. در آنجا نیز خریداران با موتور گازی و یا دوچرخه به داخل فروشگاه‌ها مراجعه می‌نمایند، کالای موردنظر خودشان را انتخاب می‌کنند، در داخل فروشگاه از يك غرفه به غرفه‌ای دیگر مراجعه می‌کنند، بدون اینکه از موتور یا دوچرخه خود پیاده شوند حساب خودشان را تسویه می‌نمایند و سپس به محل اقامت خودشان مراجعه می‌نمایند. شاید خوانندگان اینگونه تصور کنند که آنها بدین ترتیب در داخل مغازه‌ها با موتور گازی سر و صدا ایجاد می‌نمایند و یا در اثر کار کردن موتورهای این وسایل نقلیه در داخل مغازه‌ها دود به وجود می‌آورند و بدین ترتیب باعث آزار و اذیت خریداران و فروشندگان

می‌گردند. اما واقعیت این است که اصلاً يك چنین وضعیتی پیش نمی‌آید. دلیلش هم اینست که رانندگان این موتورها بسیار مؤدب و با انضباط هستند و هیچگونه مزاحمت و مشکلاتی را برای هیچکس به وجود نمی‌آورند. آنها هرگز بی‌جهت بوق نمی‌زنند، به عابرین پیاده اجازه عبور می‌دهند، در هنگام رانندگی احتیاط و دقت زیادی را از خود نشان می‌دهند، سرعت خود را افزایش نمی‌دهند و بالاخره اینکه بین خودشان مسابقه سرعت نمی‌گذارند. از طرف دیگر، يك چنین موتور گازی‌هایی آنقدر بی‌سر و صدا هستند که حتی تشخیص این موضوع که موتور آن کار می‌کند یا خاموش است به سختی معلوم می‌شود. احتمالاً این قبیل موتورها دارای اگزوزهای مخصوصی جهت خنثی نمودن گازهای ایجاد شده بوسیله موتور می‌باشد، زیرا در داخل مغازه‌هایی که آنها بطور مرتب در حال رفت و آمد هستند بوی سوخته و بوی دود احساس نمی‌شود و فروشندگان مغازه‌ها به راحتی و با خونسردی کامل به کارشان مشغول هستند.

يك چنین موتورهای گازی دارای کیفیت بسیار بالا و طراحی کاملی هستند. به طوری که جهت به کار انداختن موتور آنها به نیروی خاصی نیاز نیست، باید فقط شیر باك بنزین

□ طرد نمودن اسلام از فرهنگ ایران به عنوان وظیفه و مأموریت شاه و دولت او محسوب می‌شود، به طوری که آنها به جای فرهنگ اسلامی، فرهنگ شاهنشاهی را که با فرهنگ غرب و بخصوص آمریکا مطابقت داشت، در این کشور ترویج دادند. هدف اصلی اقدام آنان قطع نمودن ارتباط ملت ایران با اسلام بود



آن را باز نمود و گاز را کمی فشار داد.

مغازه‌های موجود در آنجا نه تنها جهت فروش کالا در خدمت خریداران هستند، بلکه به تهیه و تولید صنایع دستی نیز می‌پردازند. تقریباً در نزدیکی هر مغازه‌ای یک کارگاه صنایع دستی نیز وجود دارد. در داخل این کارگاه‌ها ظروف فلزی را قلمزنی می‌کنند، زیورآلات مختلف می‌سازند، تصاویر مینیاتوری رسم می‌کنند، صندوقچه‌های قدیمی را با زیورآلات نصب شده بر روی آنها می‌سازند، فالیچه می‌بافند و به تولید کالاهای مصرفی دیگر مردم می‌پردازند، سپس این فرآورده‌ها و تولیدات کارگاه‌ها در غرفه‌های همین فروشگاه‌ها به فروش رسانده می‌شود. هنگام عبور نمودن از کنار مغازه‌های طبقه اول این مسجد فوق‌العاده عظیم در همه جا فقط صدای «توک - توک - توک» بگوش می‌رسد. این همان صدای ابزار کار استادکاران است که بر روی ظروف مسی و بُرنزی قلمزنی می‌نمایند. به همین دلیل است که شهر «اصفهان» به عنوان یکی از بزرگترین مراکز صنایع دستی و تجارت محسوب می‌شود. این شهر به لحاظ قلمزنی بر روی فلزات، نقاشی مینیاتوری، اجرای گراور بر روی فلز شهرت جهانی دارد. به طوریکه در اصفهان تعداد زیادی فروشگاه و مغازه در



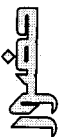
ارتباط با فروش ظروف مسی قلمزنی شده، جواهرآلات و نقاشی‌های مینیاتوری وجود دارد. توریست‌هایی از تمام کشورهای دنیا همواره به شهر «اصفهان» می‌آیند تا اینکه از تماشای آثار باستانی و معماری اسلامی ادوار مختلف تاریخی این شهر لذت ببرند.

یکی دیگر از جالب‌ترین بناهای تاریخی اصفهان «بنای منار جُنبان» می‌باشد. این مناره‌ها که در سال ۱۳۱۶ توسط اعضای خانواده «ابوعبدالله» احداث شده است، اکنون تقریباً ۷۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد. با وجود اینکه بنای مذکور بسیار قدیمی است، هنوز هم سالم بوده و به‌طور مرتب کار می‌کند. این مناره‌ها دارای راهروهای عبوری بسیار تنگی هستند که ما به زحمت موفق شدیم از آنجا گذشته و خودمان را به بالا برسانیم. در ارتفاع مشخصی از این مناره‌ها احساس بیم و وحشت به انسان دست می‌دهد. از وسط شهر اصفهان رودخانه‌ای به نام «زاینده رود» می‌گذرد که بر روی این رودخانه پل‌های بسیار دیدنی و غیرمعمولی از لحاظ معماری ساخته شده است. رودخانه مذکور شهر را به دو قسمت تقسیم نموده است. این رودخانه پهن، پر آب و تمیز را که از داخل کوه‌ها سرچشمه می‌گیرد، در سرزمین اصفهان تعداد سی و سه پل قطع

می‌کنند. این پل‌ها به عنوان آرایش و زینت شهر محسوب می‌شوند. طول هر يك از این پل‌ها معمولاً به ۴۰۰ - ۳۵۰ متر و عرض آنها به ۱۵ متر می‌رسد. تعداد زیادی از این پلها برای عبور و مرور وسایل نقلیه موتوری و برخی از آنها فقط جهت عبور و مرور عابرین پیاده مورد استفاده قرار می‌گیرد. هنگامی که هوا در این شهر خیلی گرم باشد مردم در کنار این رودخانه فرش‌هایی را پهن می‌کنند و در آنجا استراحت می‌نمایند. در زیر پل‌های این رودخانه رستوران و کافه‌هایی وجود دارد که کلاً دو متر از سطح آب فاصله دارند و محل استراحت خوبی برای توریست‌ها به حساب می‌آیند. خود معماری این پل‌ها نیز غیر معمولی است. این پله‌ها در هنگام شب به دلیل اینکه با چراغ‌های رنگارنگی تزئین شده‌اند، بسیار زیبا به نظر می‌آیند. در امتداد این رودخانه پارکهای بسیار زیبایی ساخته شده‌اند و در داخل یکی از این پارکها باغ وحش بزرگی وجود دارد که نمونه‌هایی از پرندگان موجود در جهان در داخل آن نگاهداری می‌شوند. مردم اصفهان در روزهای تعطیلی، یعنی در روزهای پنجشنبه و جمعه همراه با خانواده‌هایشان به ساحل این رودخانه می‌آیند و در آنجا برنامه‌های تلویزیون را تماشا می‌کنند، چای می‌نوشند،

□ امام خمینی که از تجربه بسیار بالایی در فعالیت‌های دینی و علمی برخوردار بود و در دانش و علوم دینی سرآمد بود، با اتکاء به قرآن و سنت پیامبر اکرم محمد (ص) به نحوی درخشان موفق شد که ملت را با یکدیگر متحد نماید

□ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۵ نوامبر سال ۱۹۷۹ به تصویب رسید مطابق با احکام اسلامی که ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را منعکس می‌سازد، پی‌ریزی شده است



کتابها و مجلات را می‌خوانند و یا اینکه بر روی چمن دراز می‌کشند و استراحت می‌نمایند. پلهای مستقر بر روی زاینده‌رود جهت عبور وسایل نقلیه موتوری به صورت يك طبقه احداث شده‌اند. این پلها از لحاظ زیبایی و مقاومت بی‌نظیر هستند و در زمرة بهترین پل‌های جهان به حساب می‌آیند.

همچنین ما در اصفهان از «قصر چهل ستون» دیدن نمودیم. این عمارت در سال ۱۶۴۷ توسط شاه‌عباس احداث گردیده است و جهت پذیرایی از میهمانان حکومتی اختصاص داده شده است. این قصر در يك باغ شهری مستقر شده است و در روبروی آن يك حوض بسیار بزرگ ساخته شده است. قصر مذکور دارای بیست ستون می‌باشد که سایه این ستونها بر روی حوض آب روبروی آن می‌افتد و به همین دلیل است که آنرا «قصر چهلستون» می‌نامند. در مجموع ما، در شهر اصفهان بناهای بسیار زیاد تاریخی را دیدیم که به عقیده ما در دنیا بی‌نظیر هستند. مردم اصفهان مذهبی بوده و مطابق با قوانین اسلام زندگی می‌کنند. در طول اقامت خودمان در اصفهان حتی يك نفر مشروب‌خور و یا مست را ندیدیم. در فروشگاه‌ها مشروبات الکلی به هیچ‌عنوان به فروش نمی‌رسد، زیرا به دلیل عدم مصرف

مردم ایران در مشروبات الکلی ضرورتی در فروش آن مشاهده نمی‌شود. از طرف دیگر، اسلام استعمال مشروبات الکلی را ممنوع نموده است، زیرا اشخاص واقع‌بین و هوشیار دزدی نمی‌کنند، اقدام به اوباشی و عربده‌جویی نمی‌نمایند، هیچکس را مورد آزار و اذیت قرار نمی‌دهند و دست به جنایت و تبهکاری نمی‌زنند. در این شهر نیز قسمت عمده اهالی پایبند دین اسلام و مذهب شیعه می‌باشند، در شهر اصفهان بیش از ۱۸۰ مسجد و ۱۴ کلیسا فعالیت می‌نماید.

ما مسیر تهران به اصفهان را با اتوبوس رفتیم، اما در برگشت به تهران برایمان بلیط هواپیمای بوئینگ ۷۷۰ تهیه کرده بودند.

در شهر «مشهد»

چنانچه شهر مکه در عربستان سعودی برای مسلمانان تمام جهان به عنوان شهری مقدس به حساب می‌آید، در ایران شهر مشهد است که به عنوان مکانی مقدس محسوب می‌شود. این شهر در حدود دو میلیون نفر جمعیت دارد که در فاصله ۹۳۰ کیلومتری شرق تهران در دره رودخانه «کشف رود» واقع شده است. يك زمانی شهر مشهد به عنوان بخشی (ناحیه‌ای) از شهر قدیمی «طوس» بود، اما مغول‌ها دو مرتبه در سالهای



۱۲۲۰ و ۱۳۸۸ شهر طوس را با خاک یکسان کردند. در آن هنگام اهالی شهر «مشهد» در مکان جدیدی، یعنی در داخل روستای «سناباد» سکونت گزیدند و از آن زمان بود که شهر توسعه و تکامل جدید خود را به دست آورد.

این شهر در سال ۸۱۷ در ارتباط با شهادت فגיעانه امام رضا علیه السلام نام مشهد را به خود گرفت. کلمه «مشهد» را به خود گرفت. کلمه «مشهد» به زبان فارسی به معنای «محل شهادت» می باشد.

مشهد از طریق مسیر راه آهن به تهران متصل شده است. در این شهر نیز یک فرودگاه بین المللی وجود دارد، به طوریکه ما پیشوایان دینی روسیه فدراتیو را با هواپیمای «توپولف - ۱۵۴» از تهران به مشهد بردند.

از آنجائیکه شهر «مشهد» برای مسلمانان شیعه به عنوان شهری مقدّس می باشد، سالیانه میلیونها نفر زائر از کشورهای مختلف جهان جهت زیارت امام رضا(ع) به این شهر می آیند. کسانی که جهت زیارت به مشهد می روند، از این حق برخوردارند که کلمه «مشهدی» را به ابتدای نام خانوادگی خودشان بیفزایند. همانطوری که زائرین خانه خدا در مکه این حق را دارند که به ابتدای اسم خودشان کلمه «حاجی» را اضافه کنند.

به طور مثال، من شخصاً هم به زیارت مکه و هم به زیارت مشهد رفته ام. بنابراین می توانم خودم را «اسماعیل حاجی ایگیزیانف مشهدی» بنامم.

و اما چه چیزهایی در شهر «مشهد» زائران را مجذوب خود می نماید؟ در این شهر در سال ۱۴۰۵ تا سال ۱۴۱۸ یک مرکز دینی عظیم و باشکوهی تحت عنوان «آستان قدس رضوی» به وجود آمده است. این مجموعه مجلل مسجد «گوهرشاد» را که در آنجا آرامگاه امام هشتم شیعیان «موسی الرضا» واقع شده است، به حوزه علمیه «دودر»، کاروان سرا، ایوان «علیشید نوایی» و چهار حیاط بزرگ با فواره و حوض های بسیار بزرگی برای اجرای وضو (طهارت) قبل از نماز وصل می کند. حرم امام رضا(ع) در مرکز مسجد قرار دارد و در آنجا بر روی مزار او مقبره ای احداث شده است که در حقیقت ساختمانی بسیار زیبا و برجسته می باشد. در داخل حرم امام رضا(ع) همیشه تعداد بسیار زیادی زوّار هست. آنها در آنجا قرآن می خوانند، با دست های خودشان مقبره مذکور را نوازش می نمایند و بر آن بوسه می زنند، تعدادی از زائرین برای مدّت زیادی در کنار مقبره این امام می ایستند، شبکه های فلزی آرامگاه او را با دست می گیرند و



التماس دعا می‌نمایند. در آنجا آنقدر زیاد زائر هست که تعداد زیادی از زائرین موفق نمی‌شوند خودشان را به کنار مقبرهٔ ایشان برسانند. خود مسجد و تمام ساختمانهای موجود در این مجموعه و بویژه بخش‌های داخلی این ساختمانها با معماری بسیار زیبایی تزئین شده‌اند. به طوریکه هر بیننده‌ای را مات و مبهوت خود می‌نماید.

هنگامی که من داخل این مسجد شدم و زیبایی داخل آن را به چشم خود دیدم، نتوانستم جلوی اشکهای خود را که از چشمانم سرازیر شده بود، بگیرم. من در آنجا اشکهای خود را در میان هزاران نفر زائری که در آن لحظه در داخل مسجد بودند، پنهان نکردم. اشکهای من از خوشحالی سرازیر شده بود و خوشحالی من از این بابت بود که خداوند متعال این امکان را برای من به وجود آورده بود که بتوانم با چشمهای خودم یک چنین صحنه‌های زیبایی را ببینم، زیبایی‌هایی که به وسیلهٔ استادکاران ایرانی ساخته شده‌اند و احتمالاً در دنیا بی نظیر می‌باشند. من از مشاهدهٔ این همه زیبایی در این مسجد آنقدر سراسیمه شده بودم که قابل توصیف نمی‌باشد، حتی فکر نمی‌کردم که یک روز یک چنین زیبایی را بتوانم ببینم. من با چشمان پر از اشک خداوند بزرگ را

شکر و سپاسگزاری نمودم، زیرا خواست خدا بود که من نیز در شهر «مشهد» حضور یابم و از این مسجد زیبا دیدن کنم. به عقیدهٔ من، این استادکاران و هنرمندان ایرانی که قادرند معماری بسیار زیبای اسلامی را به نمایش بگذارند در جهان بی نظیر هستند. به همین دلیل است که در تمام طول سال تعداد بسیار زیادی زائر نه فقط از شهرهای مختلف ایران بلکه از سایر کشورهای دیگر نیز به شهر «مشهد» می‌آیند.

دیوارها و سقف‌های این مسجد و سایر بناهای موجود در کنار این مسجد دارای نقش و نگار بسیار زیبایی است. کف این بناها با سنگهای مرمر و موزائیک‌هایی از جنس چینی بدل سنگفرش شده است و تمام لوسترهای آن آب طلا اندود شده است.

درب ورودی به محوطهٔ این مسجد دارای یک مرکز کنترل عبور و مرور زائرین می‌باشد که بخش کنترل زنان و مردان مجزا است. هر زائری را به طور دقیق در داخل اطاقک مخصوصی تفتیش می‌نمایند. تمام چیزهایی را که زائر همراه خود دارد (از قبیل کیف، وسایل، دوربین عکاسی و فیلم‌برداری) باید قبل از ورود به داخل مسجد به اطاق امانات تحویل دهد. جهت انجام فرایض دینی می‌توان در داخل محوطهٔ مسجد در کنار



حوض وضو گرفت.

نحوه احضار و دعوت مؤمنین برای نماز خواندن در این مسجد نیز بسیار جالب می باشد. این روش بسیار قدیمی است، یعنی مربوط به زمانی است که در آن هنگام میکروفون و بلندگو ساخته نشده بود، اما در آنجا اکنون نیز همین روش مورد استفاده قرار می گیرد. هشت نفر شیپورزن با شیپورهای بسیار بلند خودشان در بالای مناره ای به ارتفاع ۴۳ متری قرار می گیرند. انتهای شیپورهای آنها به شکل بشقاب است و در حکم پخش کننده صوت می باشد. آنها همانطوری که ایستاده اند، به جهات مختلف چرخیده و به داخل شیپورهای خود می دمند و بدین ترتیب مؤمنین را دعوت به نماز می نمایند. صدای دعوت مؤمنین جهت خواندن نماز در فاصله زیادی از شهر طنین انداز می شود. این منظره از زمین بسیار زیبا و افسانه ای به نظر می رسد. هزاران نفر این شیپورزنها را که بر روی مناره ای قرار گرفته اند و لباسهای یکسانی را به تن کرده اند و با دمیدن به شیپورهای خود مؤمنان را به نماز دعوت می نمایند و شیپورهای دراز خود را در جهات مختلف به حرکت درمی آورند، تماشا می کنند. شیپورهای آنان شبیه به سازهای بادی ازبکها می باشد. ازبکها نیز

□ بازارهای ایران بیش از حد غنی می باشند، قیمت کالاهای موجود در این کشور در مقایسه با کشور ما به مراتب ارزانتر است

□ يك چنین نحوه سازماندهی مسافران، یعنی خدمات رسانی به مسافرین مرد و زن به طور جداگانه با موازین شرع اسلام مطابقت دارد و بسیار صحیح و عادلانه می باشد

□ پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که زنان ایران آزادی برای مشارکت در بسیاری از عرصه های حیات را کسب کردند



در جشن‌ها و نمایشات خود يك چنین سازهای بادی را مورد استفاده قرار می‌دهند. در زیرزمین یکی از ساختمانهای این مجموعه دینی سالن بزرگی بدون پنجره هست. این زیرزمین قبرستان است. در آنجا هزاران نفر سرباز شهید که خلال سالهای ۱۹۸۸ - ۱۹۸۰ در جنگ میان ایران - عراق به شهادت رسیده‌اند، دفن شده‌اند. از آنجاییکه مساحت این سالن کم است و دفن همه شهدا در يك ردیف امکان‌پذیر نبوده است، قبرها را در آنجا بصورت سه طبقه ساخته‌اند. همه این قبرها از سنگ مرمری سفید رنگی پوشیده شده‌اند و بر روی این سنگها نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد و تاریخ شهادت این شهدا حک شده است. روبروی مزارهای شهدا، در زیرسقفی بر روی دیواره‌ها عکسهایی از شهدا نصب شده است. این قبرستان به لامپ‌های بسیار درخشانی تجهیز شده است، به طوری که محوطه این زیرزمین را همانند روز روشن نموده است. در آنجا تاج گل‌هایی وجود دارد که در هیچ‌جا نظیر آنها یافت نمی‌شود. ما ناظر بودیم که اقوام و آشنایان این شهدا به طور مرتب به آنجا می‌آمدند، خودشان را بر روی سنگ مزار آنها خم می‌نمودند، چیزهایی را به طور آهسته زمزمه می‌کردند و گریه



می‌کردند.

در کنار محوطه این مسجد بازاری وجود دارد که در داخل آن تعداد بسیار زیادی مغازه وجود دارد. شهر «مشهد» به عنوان مرکز تجاری - صنعتی بخش شمال شرقی ایران محسوب می‌شود. در اینجا صنایع فلزی، نساجی، صنایع غذایی، تولید مواد ساختمانی و... پیشرفت زیادی نموده است. در این شهر کارگاههای عظیمی در ارتباط با کفش چرمی، محصولات کشفافی و صنعت قالی‌باقی وجود دارد. در مشهد موزه‌ای نیز به نام موزه «قرآن» هست.

در شهر «طوس»

شهر «طوس» در نزدیکی مشهد واقع شده است و در مقایسه با شهر «مشهد» دارای تاریخ به مراتب طولیتری است. همانطوریکه قبلاً نیز اشاره نمودم، شهر «طوس» تاکنون چندین مرتبه بواسطه تاخت و تاز مغولها با خاک یکسان شد، ولیکن بعدها مجدداً احیاء و بازسازی گردید.

شاعر و حماسه‌سرای بزرگ ایرانی «ابوالقاسم فردوسی» در سال ۹۴۰ میلادی در این شهر متولد شد. او کتاب شاهان موسوم به «شاهنامه» را نوشت. وی مدت سی سال از عمر خود را به نوشتن این اثر

شهر، از آرامگاه این شاعر بزرگ ایران دیدن کردیم و با حضور در آرامگاه وی خاطره او را گرامی داشتیم. خاطره مربوط به این شاعر بزرگ ایرانی برای يك مدت طولانی در قلب‌های ما باقی خواهد ماند.

شب دیرهنگام بود که ما از طوس به شهر «مشهد» بازگشتیم. سپس مطابق با برنامه ریزی که برای ما شده بود، هنگام صبح مشهد را به مقصد شهر «گرگان» ترك کردیم.

در شهر «گرگان»

ما پس از طی يك مسافت ۵۲۴ کیلومتری از مشهد به شهر «گرگان» رسیدیم. شهر مذکور چندان بزرگ نمی‌باشد. این شهر در بخش شمالی ایران واقع شده است و در حدود ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. گرگان در فاصله ۳۰ کیلومتری ساحل جنوبی دریای خزر قرار دارد و از طریق راه آهن با تهران ارتباط دارد. در اینجا کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی، شالی کوبی و روغن‌کشی وجود دارد.

در شهر گرگان يك مرکز بسیار بزرگ آموزش علوم دینی وجود دارد. در آنجا ما را به حوزه علمیه «امام خمینی» دعوت کردند. رئیس این آموزشگاه در دیدار با ما اینطور گفت: «ما خوشحالیم که در کشورمان به شما

□ در هیچ جای ایران ندیدیم که کارهای سخت فیزیکی همانند باربری، حفاری در معادن زیرزمینی و ... یا کارهایی که در شأن زنان نباشد (همانند نظافت‌چی معابر عمومی، رفتگری در اماکن اجتماعی و غیره) را به زنان واگذار کنند. در صورتیکه در کشور ما زنان را در سطح بالایی در ارتباط با کارهای کثیف و دور از شأن زنان بکار می‌گیرند

اختصاص داد. او در این کتاب ۶۰ هزار بند شعر را سروده است که تاریخ کشور ایران را در آنها توصیف نموده است. او در سال ۱۰۲۰ میلادی وفات یافت و در شهر وطنی خود «طوس» مدفون گشت. بر روی مزار وی آرامگاه بسیار بزرگی ساخته شده است که ارتفاعش به اندازه يك ساختمان پنج طبقه می‌باشد. این ساختمان به وسیله سنگهای مرمرین سنگفرش شده است. ما پیشوایان دینی روسیه فدراتیو نیز ضمن حضور در این



خوش آمد می گوئیم. ما امیدواریم و از خداوند متعال خواهانیم که این قبیل دیدارها در آینده بیشتر و عمیق تر گردد. اتحاد و برادری میان مسلمانان برای ما بسیار اهمیت دارد. رهبر عظیم انقلاب ما «امام خمینی» نیز همین را می خواست. ما و شما به يك كتاب آسمانی ایمان داریم. آموزشگاه علمی ما که در آنجا دانشجویانی از جمهوریهای تاتارستان، باشکیرستان، چچن، اینگوش، داغستان، قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان و از کشورهای دیگر تحصیل می کنند، به عنوان نمونه بارزی از همین اتحاد و برادری است. در اینجا در مجموعه ۲۰۰ پسر جوان و ۱۸۰ دختر جوان تحصیل می کنند (دختران در ساختمان های جداگانه ای تحصیل و زندگی می کنند). اسلام، پیامبر مسلمانان «حضرت محمد(ص)» و قرآن باعث اتحاد ما مسلمانان گردیده است. ما باید مطابق با خواست و حکم خداوند یکتا حرکت کنیم. مرکز علوم اسلامی ما نیز همواره پشتیبان و کمک مسلمانان روسیه فدراتیو خواهد بود. برای شما در ایران آرزوی اوقاتی خوش می نمایم و امیدوارم که در کشور ما چیزهای زیادی را ببینید و با آنها آشنا شوید.

در این مرکز آموزش اسلامی، دین اسلام (احکام مربوط به مذهب شیعه و سنی)



آموزش داده می شود. مسلمانان شیعه و سنی هر يك جداگانه در ساختمانهای مختلفی آموزش می بینند، اما در يك نهارخوری غذا می خورند و همچنین در يك مسجد نماز می خوانند. آنها با همدیگر به طور دوستانه زندگی می کنند، به طوری که هیچگونه اختلاف نظری میان آنان وجود ندارد. بدلیل اینکه هم شیعیان و هم سنی ها از يك خدای واحد، يك قرآن، يك اسلام و يك پیغمبر «حضرت محمد(ص)» پیروی می نمایند. اسلام نیروی بسیار عظیمی است که کلیه مسلمانان را صرف نظر از وابستگی ملی و قومی و فاصله ای که میان آنها وجود دارد، متحد می نماید، اسلام کلیه ملل جهان با مذاهب مختلف را به دوستی با یکدیگر دعوت می نماید.

پس از نماز کلیه دانشجویان روسیه فدراتیو به دور ما جمع شدند و با ما شروع به صحبت کردند. معلوم بود که آنها دلشان برای وطن «روسیه فدراتیو»، والدین و اقوام خود تنگ شده است. اما فراگیری علم برای آنان از اهمیت بیشتری برخوردار است. در آنجا به افتخار دیدار با ما مراسم عکسبرداری انجام شد. در این دانشکده دانشجویان چچنی را می توان از طریق نشان های نصب شده بر روی سینه شان متمایز نمود. آنها همگی نشان

□ ملتی که طبق قوانین اسلامی تربیت شده است به جنایت و تبهکاری دست نمی‌زند، اموال و دارائی دیگران را به سرقت نمی‌برد، مشروبات الکلی استعمال نمی‌نماید، قمار بازی نمی‌کند، نسبت به دیگران اقدام به کلاهبرداری نمی‌نماید، ناسزا نمی‌گوید، دیگران و حتی حیوانات را از خود نمی‌رنجاند

«جوهر دودایف» را بر روی سینه‌شان نصب کرده بودند.

من از يك دانشجوی چچنی سؤال کردم: «شما اهل کجا هستید، نامتان چیست، چند سال دارید و چند سال است که در اینجا تحصیل می‌کنید؟» وی در پاسخ اظهار داشت که نامش «شامیل» می‌باشد، از جمهوری «چچن» است، سیزده سال سن دارد و جزو آن گروه از دانشجویان است که سال اول تحصیل را طی می‌نمایند. یکی

دیگر از دانشجویان که دارای سن بیشتری بود در پاسخ به سؤالات من اظهار داشت که از شهر «آگیدیل» در جمهوری باشکیرستان (باشقیرستان) همراه با خانواده‌اش به منظور تحصیل به اینجا آمده است، سوّمین سال است که در این آموزشگاه عالی تحصیل می‌کند و همسرش نیز در حوزه علمیه مخصوص خواهران آموزش می‌بیند. او گفت که به همراه خانواده‌اش در يك آپارتمان شخصی در نزدیکی همین آموزشگاه زندگی می‌کند و کرایه از بابت این آپارتمان را مسئولین آموزشگاه می‌پردازند. این زن و شوهر هر دو کمک هزینه تحصیلی دریافت می‌کنند، به طوری که کمک هزینه مذکور برای نگهداری و امرار معاش خانواده کافی می‌باشد. آنها صاحب دختری می‌باشند که در آنجا همراه با آنان زندگی می‌کند. آنها هر دو به زبان فارسی تسلط کامل دارند، به طوریکه این دانشجو که نامش «حمید» بود به مدت دو روز به عنوان مترجم همراه ما بود.

ما را در طول اقامتمان در شهر «گرگان» در فاصله چند کیلومتری از این شهر در جنگلی میان کوهها در يك استراحتگاه بسیار زیبا ساکن نمودند، به طوریکه آرامش و سکوت، جنگلها، کوهها، هوای کوهستان و رودخانه‌های موجود در آنجا همگی احساس

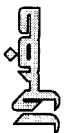


خوبی را در ما بوجود آورده بود و استراحت بسیار خوبی را برای ما فراهم کرد. طبیعی است که ما در طول مدت اقامت خود در ایران پنج نوبت نماز روزانه را انجام می دادیم. هنگام غروب تعدادی میهمان روحانی از شهر برای ملاقات با ما به این آسایشگاه آمدند و قبل از صرف شام گفتگوی دوستانه‌ای میان ما صورت گرفت.

در منطقه «دریای خزر»

سرزمین جمهوری اسلامی ایران از سمت شمال با دریای خزر به طول ۲۶۷۰ کیلومتر همجوار می‌باشد. این دریا خط ارتباطی ایران را با کشورهای روسیه فدراتیو، قزاقستان، آذربایجان و سایر کشورهای دیگر فراهم می‌نماید. دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان به عنوان مهمترین منابع ایران در ارتباط با صنعت ماهی محسوب می‌شوند. صیادان صنایع ماهی‌گیری ایران به طور مداوم از این دریاها ماهی صید می‌نمایند.

از آنجائیکه شهر «گرگان» در فاصله نزدیکی از دریای خزر واقع شده است، ما تصمیم گرفتیم که از آنجا نیز دیدن نماییم، زیرا تعداد زیادی از ما در طول عمر خود



هنوز یکبار هم این دریا را ندیده بودند. من نیز فقط از طریق نقشه می‌دانستم که این دریا در کجا قرار گرفته است. نیم ساعت طول کشید تا ما خودمان را با اتوبوس از گرگان به ساحل جنوبی دریای خزر رساندیم. در نقطه‌ای که ما حضور یافتیم، يك شهرک نه چندان بزرگ ساحلی به نام «بندر ترکمن» قرار داشت. در آنجا از ما دعوت نمودند تا قایق سواری کنیم و بدین ترتیب بود که یکبار به جزیره کوچکی به نام «عاشورا ده» که از ساحل نیز پیدا بود و حدوداً در فاصله ۳-۴ کیلومتری از ساحل قرار داشت، سر درآوردیم. پس از اینکه در ساحل دریای خزر به دو گروه تقسیم شدیم، در داخل دو قایق بزرگ جای گرفتیم. این قایق‌ها همانطوری که در سطح آب همراه با امواج دریا تکان تکان می‌خوردند، در انتظار ما بسر می‌بردند. در میان ما یکی از پیشوایان دینی بود که از سوار شدن بر قایق امتناع ورزید. نصایح و اندرزهای ما در او مؤثر واقع نشد. ما او را مورد نکوهش قرار ندادیم و وی را به حال خودش گذاشتیم. به نظر ما دلیل امتناع وی این بود که او در جمهوری قزاقستان متولد شده بود و تمام عمر خود را در دشت‌های وسیع قزاقستان، یعنی در جائیکه او نه فقط دریایی را ندیده بود، بلکه

حتی رودخانه‌ای را مشاهده ننموده بود، گذرانیده بود. آنجا فقط چاه آب و نهر مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت و امروز او برای اولین بار بود که در زندگی خودش يك چنین حجم زیادی از آب، یعنی دریا را می‌دید.

ما ساحل دریا را به مقصد جزیره ترك كرديم و او در ساحل باقی ماند. پس از اینکه به جزیره رسیدیم، در آنجا رئیس دستگاه اداری این جزیره که از بومیان همانجا بود ما را ملاقات کرد. ایشان در آنجا ما را با نحوه زندگی مردم در این جزیره آشنا نمود. در این جزیره يك کارخانه نه چندان بزرگ ماهی وجود دارد و چند گروه ماهیگیر مشغول به کار هستند که از همین طریق امرار معاش می‌نمایند. يك زمانی در این جزیره ۳۷۰

خانواده که همگی به شغل ماهیگیری می‌پرداختند، زندگی می‌کردند. در حال حاضر تعداد کمی از آنها در آنجا باقی مانده‌اند. تعداد زیادی از آنان اقدام به ترك جزیره کرده‌اند تا بر روی زمین پهناور به حیات خود ادامه دهند. در جزیره مذکور يك مسجد فعال وجود دارد و ماهیگیران نماز خود را در این مسجد به جای می‌آورند. به دلیل اینکه زمان حضور ما در این جزیره با وقت نماز مصادف نبود، ما نتوانستیم در این مسجد حضور یابیم، ضمن اینکه در آن

ساعت از روز مسجد بسته بود و امام جماعت آنجا که از بومیان این جزیره به دنبال کاری به جایی رفته بود.

طبیعی است که در آنجا از ما با ماهی تازه دریای خزر پذیرایی کردند. سپس بر قایق‌ها سوار شدیم و مجدداً به ساحل، یعنی به جائیکه رئیس و یکی از پیشوایان دینی که در آنجا باقی مانده بود و انتظار ما را می‌کشیدند، بازگشتیم.

و حالا جاده تهران در برابر ما قرار گرفته است. از این ساحل دریا تا تهران ۴۱۱ کیلومتر است هنگام غروب که گرگان را به مقصد تهران ترك كرديم و در نزدیکی‌های صبح بود که وارد تهران شدیم.

در قصبه «کارابولات»

ما می‌بایستی به تهران بازمی‌گشتیم، اما هر يك از رؤسای آموزشگاه‌های عالی اسلامی پس از اینکه در ارتباط با حضور پیشوایان دینی روسیه فدراتیو مطلع می‌شد، از خود تمایل زیادی نشان می‌داد که ما در نزد آنان نیز حضور یابیم. ما وقت آزاد زیادی نداشتیم، ولیکن درخواست و تمایل بیش از حد یکی از شخصیت‌های معروف دینی ایران، یعنی رئیس یکی از این دانشکده‌ها «آیت‌الله نظری» که خود امام خمینی نیز



نسبت به او ارزش و احترام زیادی قائل بود، ما را بر آن داشت که دعوت وی را نیز بپذیریم. به همین دلیل، به یکی دیگر از آموزشگاه‌های عالی دینی که در فاصله یکصد کیلومتری از شهر «گرگان» قرار داشت و ریاست آن به عهده آیت‌الله نظری بود، رفتیم. آموزشگاه علمی مذکور در قصبه «کارابولات» قرار داشت.

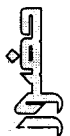
در آنجا در حدود چهارصد نفر پسر بچه همراه با رئیس این حوزه علمیه «آیت‌الله نظری» به پیشواز ما آمدند. این بچه‌ها همگی از ۱۰ تا ۱۲ سال سن داشتند و همه آنها به مدت ۱۲ سال در اینجا تحصیل می‌نمایند و سپس به صورت پیشوایان دینی با درجه مهارت و تخصص عالی فارغ‌التحصیل می‌شوند. آموزش آنها مطابق با برنامه «مدرسه حنفیه» و مکتب سنی صورت می‌گیرند. اما در اینجا نه تنها علوم دینی به آنان آموزش داده می‌شود، بلکه آموزش‌های لازم در ارتباط با ریاضیات، فیزیک، شیمی، تاریخ، جغرافیا، نجوم و... را نیز فرامی‌گیرند. همه این بچه‌ها دارای ملیت ترکمن بودند و آنها در آنجا آموزش و زندگی خودشان را با مساعدت حکومت ایران طی می‌کنند. در این آموزشگاه علمی علاوه بر رئیس دانشکده تعداد ۱۲ نفر معلم در ترکیب اساتید این حوزه به کار

اشتغال داشتند.

در طبقه سوم این حوزه علمیه مسجد بزرگی وجود داشت و ما همگی به طور مشترک با دانش‌آموزان و معلمان نماز نیمروز را خواندیم. خود رئیس این آموزشگاه علمی عهده‌دار مسئولیت پیش‌نمازی آنجا بود. پس از اینکه دانش‌آموزان با از خودگذشتگی غرق در نماز خواندن شدند، سکوت همه‌جا را فراگرفت صرف‌نظر از هوای بسیار گرم در خارج از ساختمان حوزه، کف‌های مرمرین طبقات و راه‌پله‌ها در داخل ساختمان بسیار سرد بودند، به طوریکه خود ما نیز پس از اینکه در خارج از این ساختمان کفش‌های خودمان را درآوردیم تا از طریق پله‌ها بالا برویم، سرمای این کف مرمرین را به خوبی احساس کردیم. در آنجا بدلیل اینکه ورود با کفش بداخل مسجد ممنوع می‌باشد، ما نیز مثل بقیه کفشهایمان را درآوردیم.

من در آنجا به یکی از پسر بچه‌ها که نظرم را به خود جلب نموده بود، نزدیک شدم و از او پرسیدم که نامش چیست، چند سال دارد و دارای کدام ملیت است؟ او به صورتی مؤدبانه و با نزاکت تمام پاسخ داد که نامش «نورالدین» است، ۱۲ سال سن دارد و ترکمن می‌باشد.

سپس ما از بچه‌ها و معلمان آنها

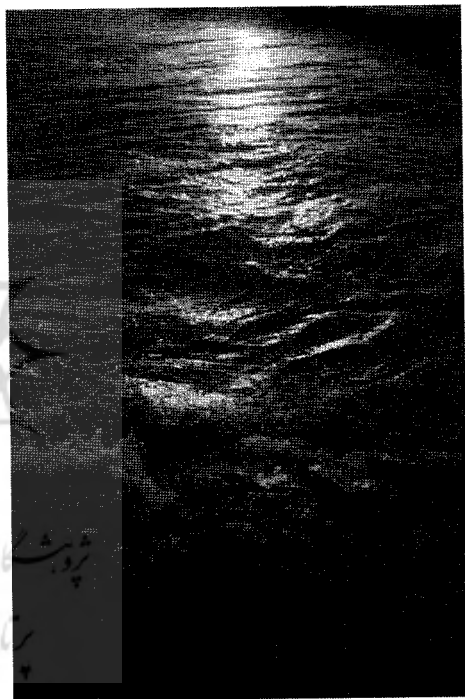


خداحافظی نموده و راهی گرگان شدیم و از آنجا هم به سمت تهران حرکت کردیم. هنوز هم چهره‌های مهربان این پسر بچه‌های ترکمن و خیرخواهی در ارتباط با معلمین آنها در خاطر من باقی مانده است.

اسلام در ایران و اهمیت آن برای ایرانیان

۱- رژیم شاهنشاهی

ایران در خاورمیانه به عنوان يك کشور باستانی است که دارای تاریخی با قدمت قرنهای بسیار زیادی است. قبلاً نام این کشور «فارس» بود و یونانیان ایران را «پارس (پارس)» می‌نامیدند. با وجود اینکه دانشمندان شروع تاریخ پارس (ایران) را از ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌دانند، اما حاکم بزرگ پارس «کوروش کبیر» به عنوان بنیانگذار حکومت ایران محسوب می‌گردد. در قرن ششم قبل از میلاد (در میان سالهای ۵۳۰-۶۰۰ قبل از میلاد) کوروش کبیر پس از پیروزی در جنگی بزرگ با حکومت‌های همسایه بود که سلطه و حکمفرمایی خود را گسترش داد و امپراطوری کبیر پارس را بوجود آورد. از آن زمان حاکمین و سلسله‌های شاهنشاهی بسیار زیادی تغییر یافته است و تا امروزه یعنی در طول مدت ۲۵۰۰ سال نوع حکومت ایران شاهنشاهی بود. بالغ بر هفتاد سال قبل بود



که طبق قانون اساسی شاهنشاهی دیکتاتوری خاندان پهلوی در کشور ایران برقرار شد. رضاشاه پهلوی به مدت ۱۶ سال بر کشور ایران حکومت کرد تا اینکه در سال ۱۹۴۱ به نفع پسرش از تخت سلطنت کناره‌گیری کرد. پس از اینکه فرزند رضاشاه «محمد رضا پهلوی» بر تخت سلطنت نشست تا سال ۱۹۷۹ بر این کشور حکومت کرد، یعنی سلسله پهلوی مجموعاً به مدت ۵۴ سال بر کشور ایران حکومت نمود.

سلسله پهلوی در طول حیات خود زندگی به سبک غرب را به ملت ایران تحمیل کرد. شاه و اطرافیان او خود را در ظاهر به عنوان هواخواهان اسلام و روحانیت نشان می‌دادند، اما در حقیقت در داخل کشور يك جو ضد دینی و ضد اسلامی را به وجود آورده بودند. طرد نمودن اسلام از فرهنگ ایران به عنوان وظیفه و مأموریت شاه و دولت او محسوب می‌شد، به طوریکه آنها به جای فرهنگ اسلامی فرهنگ شاهنشاهی را که با فرهنگ غرب و بخصوص آمریکا مطابقت داشت، در این کشور ترویج دادند. هدف اصلی اقدام آنان قطع نمودن ارتباط ملت ایران با اسلام بود.

تمام اسامی، علایم، کتب درسی، روزنامه‌ها و مجلات از محتوای گسترش



فرهنگ شاهنشاهی برخوردار بودند. به زنهایی که طبق موازین اسلامی لباس می‌پوشیدند و دارای حجاب اسلامی بودند، اجازه حضور در خیابانها، اماکن عمومی و ... نمی‌دادند. همچنین به دانش آموزان و دانشجویانی که مایل بودند با حجاب اسلامی در دروس مربوط به مدارس و دانشگاه‌ها حاضر شوند، اجازه حضور در مدارس و دانشگاه‌ها و در نتیجه اجازه ادامه تحصیل داده نمی‌شد.

به منظور کشانیدن جوانان به فساد اقدام به ایجاد مراکز خاصی نموده بودند که «کاخ جوانان» نام داشتند. رژیم شاه سعی داشت فساد را از طریق پوشیدن لباس باز توسط زنان ترویج دهد و به همین دلیل بود که با حجاب اسلامی مبارزه می‌کرد.

شاه در سال ۱۹۵۵ تاریخ هجری را در ایران الغاء نمود و تاریخ شاهنشاهی را به جای آن به مرحله اجرا گذاشت. ملت ایران تغییر یافتن تاریخ اسلامی به تاریخ شاهنشاهی را نقطه اوج مبارزه رژیم شاه با اسلام می‌دانست. در آن زمان به زنها اجازه شرکت در فعالیت‌های اجتماعی داده نمی‌شد. موضوعات اسلامی از فیلم‌های سینمایی، برنامه‌های رادیو و تلویزیون و همچنین از نمایشنامه‌ها حذف شده بود و به جای آن موضوعاتی که ترویج‌دهنده تحریک

و تخدیر جوانان بود و آنان را به فساد و عمیق غوطه‌ور می‌ساخت، رواج یافت.

در تعداد زیادی از مؤسسات و ادارات دولتی شغل‌ها را متخصصین غربی که زندگی و فرهنگ غرب را جایگزین فرهنگ اسلامی نموده بودند، اشغال کردند. خدمتگزاران و نوکران رژیم شاه در بسیاری از شهرهای ایران اقدام به کشتار دسته‌جمعی کردند و هیچکس آنان را تحت پیگرد قرار نداد.

همه این عوامل و سایر اشتباهات سیاسی شاه منجر به بوجود آمدن نارضایتی شدید در میان توده‌های ملت ایران شد به طوری که در حدود ۹۸٪ از جمعیت ایران که همگی پیرو دین اسلام بودند اقدام به تظاهرات گسترده خیابانی نمودند، دست به اعتصابات زدند و رژیم شاهنشاهی را که باعث فلاکت و بدبختی مسلمانان ایران می‌دانستند محکوم کردند.

هر سال که می‌گذشت، نارضایتی ملت ایران اوج می‌گرفت و رشد مبارزه با رژیم شاهنشاهی افزایش می‌یافت. تا اینکه جنبش ملت مسلمان ایران بر علیه حکومت شاه شروع شد. این جنبش در سال ۱۹۶۱ ابتدا در میان روحانیت در مراکز آموزش دینی شهر «قم» به رهبری امام خمینی آغاز شد. امام خمینی در اعلامیه‌های خود به طور مداوم

پرده از روی جنایات رژیم شاه برمی‌داشت و ملت ایران را به مبارزه‌ای همه‌جانبه بر علیه شاه دعوت می‌کرد.

امام خمینی به مدت ۱۷ سال (از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۹) جنبش سرتاسری ملت ایران در مبارزه برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی در ایران را هدایت و رهبری می‌کرد. او در طول این مدت چندین بار دستگیر شد و از ایران تبعید شد. رژیم شاه با تبعید امام خمینی قصد داشت که به این جنبش اسلامی لطمه وارد نماید و آن را در نظفه خفه کند. در همین ارتباط، شاه به صورتی فوق‌العاده بی‌رحمانه عمل می‌کرد. او دستور دستگیری کلیه نمایندگان فعال روحانیت را صادر کرد و به فرمان او بود که تعداد زیادی از مردم در شهرهای تهران، قم، شیراز و مشهد شهید شدند.

اما این قبیل اقدامات رژیم شاه مؤثر واقع نشد و نه تنها شعله مبارزه بر علیه رژیم شاه فروکش نگردید، بلکه افروخته‌تر شد.

امام خمینی که از تجربه بسیار بالایی در فعالیت‌های دینی و علمی برخوردار بود و در دانش و علوم دینی سرآمد بود، با اتکال به قرآن و سنت پیامبر اکرم «حضرت محمد(ص)» به نحوی درخشانتر موفق شد که ملت را با همدیگر متحد نماید. او تمام



ملت ایران، یعنی ساکنین شهر و روستاها، تجار و دانشجویان، مردان و زنان، پیرها و جوانان و... را متحد کرد و آنان را برای يك مبارزه همه‌جانبه و سراسری اسلامی بر علیه شاه و رژیم شاهنشاهی آماده ساخت، ضمن اینکه خودش شخصاً رهبری این مبارزه تاریخی را به عهده گرفت. در این مبارزه هیچ‌گونه انحراف و تخطی از مسیر واقعی الهی وجود نداشت، به طوری که مبارزه مذکور و شرکت در آن برای هر يك از شرکت‌کنندگان در حکم وظیفه شرعی در برابر خداوند متعال تلقی می‌شد. این مبارزه جنبه اسلامی داشت و به همین دلیل رژیم شاه نتوانست آن را خاموش و یا در نطفه خفه گرداند. اسلام نیروی بسیار عظیمی است که الله به پیروان آن پاداشی جزیل اعطاء می‌نماید.

۲- انقلاب اسلامی و نتایج حاصله از آن

مؤمنین به مبارزه پرداختند. خداوند متعال برای آنان تکلیف نمود که مبارزه‌ای مقدس را آغاز نمایند تا اینکه از دین اسلام صیانت و پاسداری نموده و عدالت و دادگستری و همچنین آزادی دین را در سرزمین جمهوری اسلامی ایران ترویج دهند. آزادی دین چهارده قرن پیش توسط اسلام وضع شد، زیرا



به مسلمانان این امکان را می‌دهد که مراسم و آیین‌های تکلیف شده به آنان را انجام دهند. و مسلمانانی که تفکر واقعی جهاد (مبارزه مقدس) را قبول دارند، بلافاصله پس از صدور حکم جهاد در آن شرکت می‌نمایند و حتی فراموش می‌نمایند که خداوند به مبارزین در راه خدا پاداشی عظیم می‌دهد.

در قرآن (سوره ۴ آیه ۷۷) خداوند به مسلمانان می‌فرماید: «پس باید در راه خدا جهاد نمود و آنانی که به جهاد برخاستند و زندگی این دنیا را با آخرت عوض کردند و در راه خدا مبارزه کنند، چه شهید شوند و یا چه پیروز گردند، پاداش عظیمی به آنها خواهیم داد.»

مبارزه به حق و عادلانه به عنوان يك اقدام مقدس محسوب می‌شود. اسلام هرگونه مبارزه‌ای را که به خاطر حق و عدالت خواهی نباشد و با قوانین و حدود الهی مغایرت داشته باشد، مردود می‌داند.

شاه ایران «محمد رضا پهلوی» در طول چندین دهه سلطنت خود تز مربوط به جدائی دین از حکومت را تبلیغ می‌کرد و هدفش این بود که ارتباط ملت ایران را با اسلام قطع نماید و جوانان را از دین بری گرداند. سیاست ضد دینی و ضد اسلامی شاه منجر به بروز نارضایتی میان توده‌های وسیع مسلمانان

□ امام در تمام طول زندگی با افتخار خود حتی يك قدم هم از موازين و احكام اسلام و سنت پيغمبر حضرت محمد(ص) عقب‌نشینی نکرد

حکومت اسلامی برقرار شد.

اقداماتی که در آن زمان مؤمنین در ایران انجام دادند و در نهایت منجر به پیروزی انقلاب اسلامی این کشور شد با درخواست‌ها و مقتضیات سنت پیامبر اسلام «حضرت محمد(ص)» مطابقت دارد. در یکی از احادیث آورده شده است: «اگر یکی از شما عملی منکر و قابل سرزنشی را مشاهده نماید، چنانچه بتواند باید به دست خود جلوی آنرا بگیرد و اگر نتوانست اینکار را بکند باید به وسیله زبان از آن جلوگیری نماید و اگر با زبان هم نتوانست جلوی آنرا بگیرد موظف است که قلباً از آن پرهیز نماید و نسبت به آن از خود تنفر نشان دهد.»

مسلمانان ایران نیز يك چنین رفتاری را از خود نشان دادند. آنها با مسلح شدن به رهنمودها و دستورات خداوند و احادیث پیامبر، از خود نارضایتی شدیدی را نسبت به رژیم شاه که بر ضد دین و احکام اسلام وارد

گردید و طبق فرمان خداوند (سوره ۹ آیه ۱۲۵): «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که در نزدیکی شما هستند به مبارزه بپردازید و بگذارید که آنان پایداری و استقامت شما را ببینند. بدانید که خداوند با آن کسانی است که تکلیف خودشان را انجام می‌دهند (و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است)» و به رهبری یکی از روحانیون بسیار بزرگ این کشور «روح‌الله الموسوی الخمینی (خداوند روحش را شاد و قبرش را پرنور گرداند!)» ملت متدین ایران بر علیه رژیم شاه قد علم کرد. در نتیجه مبارزه چندساله و با کمک خداوند بود که مسلمانان ایران موفق شدند و بر رژیم شاهنشاهی غلبه کنند.

مطابق با تاریخ ایران در روز ۲۲ «بهمن» سال ۱۳۵۷ (۱۱ «فوریه» سال ۱۹۷۹) در ایران انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. مسلمانان ایران حکومت را در دستهای خود گرفتند و بدین ترتیب بود که در این کشور يك



عمل شده بود، نشان دادند. آنها با دستها، زبان و قلب خودشان به مبارزه بر علیه رژیم شاهنشاهی برخاستند و خداوند به آنان مساعدت نمود و در پیروزی انقلاب اسلامی یاریشان کرد.

بدین ترتیب، ملت ایران از رژیم مستبدانه و ستم‌پرور شاهنشاهی رهایی جست و به جهان‌بینی اسلامی روی آورد و تحت یک حکومت اسلامی به حیات خود ادامه داد. الآن در کشور ایران قوانین اسلامی و مقرراتی که کلیه جهات یک زندگی اجتماعی را زیر پوشش خود قرار می‌دهد، حاکم می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۵ «نوامبر» سال ۱۹۷۹ به تصویب رسید مطابق با احکام اسلامی که ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را منعکس می‌سازد، پی‌ریزی شده است.

سیستم عدالت و دادگستری در این کشور بر اساس عدالت و انصاف اسلامی، مطابق با درخواست‌های قرآن و اصول سنت پیامبر اسلام «حضرت محمد (ص)» پایه‌گذاری شده است.

امام خمینی اعلام داشت: «ما نمی‌خواهیم که سیستم قضایی ما همانند سیستم قضایی و دادرسی غرب باشد و قصد نداریم که قوانین حاکم بر کشورمان با قوانین حاکم در



غرب مطابقت داشته باشد، زیرا ما خودمان قوانین اسلامی و الهی داریم.»

قوه مجریه جهت جامه عمل پوشاندن و تحقق قوانین اسلامی در خدمت مسلمانان ایران است و مطابق با دستورات خداوند متعال و سنت پیامبر اسلام عمل می‌نماید.

هدف نهایی قانون اساسی جدید ایران ساختن یک جامعه نمونه اسلامی در ایران است که بتواند برای تمام دنیا الگو باشد. اقتصاد کشور ایران طبق برنامه طرح‌های پنج‌ساله در حال توسعه می‌باشد. اقتصاد این کشور در جهت برآورده ساختن احتیاجات و نیازمندیهای بشری در زندگی، خوراک، لباس، تأمین بهداشت عمومی، تحصیل، کار و... پایه‌گذاری گردیده است، به طوری که تمرکز یافتن ثروت در دستهای برخی از اشخاص و یا گروهها بعید به نظر می‌رسد.

هر ایرانی می‌تواند به میل خود تحصیل، شغل و یا کاری را که با موازین شرع اسلام مغایرت نداشته باشد، انتخاب کند. با وجود اینکه زبان و الفبای رسمی این کشور فارسی است، ولیکن به اقلیت‌های ملی و بومی آنجا این حق داده شده است که به زبانهای خودشان آزادانه تحصیل و یا تدریس نمایند. در کشور ایران هر نوع مطبوعاتی که با موازین شرع اسلام مغایرت نداشته باشد، می‌تواند

آزادانه منتشر شود. در این کشور هرکس می‌تواند عضو هر حزبی که در چارچوب موازین اسلامی فعالیت می‌نماید، شود. پرچم حکومتی ایران به سه رنگ سبز، سفید و قرمز است که شعار «الله اکبر» (خداوند عظیم است) بر وسط آن نوشته شده است. روز تعطیلی رسمی هفتگی ایران «جمعه» می‌باشد و تقویم رسمی این کشور مطابق با تاریخ هجرت پیغمبر اسلام «حضرت محمد(ص)» تنظیم می‌شود.

فروشگاه‌ها و بازارهای ایران بیش از حد غنی می‌باشند. قیمت کالاهای موجود در این کشور در مقایسه با کشور ما به مراتب ارزانتر می‌باشد. در داخل این کشور احداث ساختمانهای مسکونی و سایر تأسیسات و مجتمع‌های ملی - اقتصادی در سطح وسیعی جریان دارد. تکنولوژی ساخت ساختمانهای اداری و مسکونی در آنجا در مقایسه با کشور ما تفاوت اساسی دارد. ساختمانهای آنجا به صورت ساختمانی با طبقات بسیار زیاد ساخته نمی‌شود. ساخت هر يك از طبقات با نصب اسکلت فلزی شروع می‌شود و با احداث بام خاتمه می‌یابد. سپس احداث سقف‌های میان طبقات شروع می‌شود و پس از آنهم شروع به ساخت دیوارهای خارجی و جداره‌های داخلی می‌نمایند. ایرانیان جهت

ساخت دیوارهای ساختمان به طور کلی آجر سبک به کار می‌برند. همچنین در ساختمانهای چند طبقه بر روی بالکن هر يك از طبقات تابلوهای نسبتاً بزرگی نصب می‌نمایند که بیانگر شماره طبقه می‌باشد. این تابلو از نقطه دوردست و حتی از پنجره اتوبوس‌هایی که در سطح خیابانهای شهر در حال رفت و آمد هستند، قابل مشاهده است.

خیابانها و جاده‌های ایران همواره مملو از اتومبیل است. بخاطر ترافیک سنگین خیابانها که توسط اتومبیل‌ها، موتور سیکلت‌ها، دوچرخه‌ها و همچنین موتورهای گازی ایجاد می‌شود، اغلب اوقات موتورسیکلت‌ها، دوچرخه‌ها و موتورهای گازی مجبورند خود را به داخل پیاده‌رو برسانند و ضمن مانور کردن در سطح پیاده‌رو از میان عابرین پیاده راهی را برای عبور خود باز کنند.

در شهر «تهران» تعداد زیادی پل هوایی ویژه عبور عابرین پیاده‌رو بر روی قسمت سواره‌رو خیابانها نصب شده است، اما همه عابرین پیاده از این پل‌ها جهت قطع کردن خیابان استفاده نمی‌کنند. تعداد زیادی از آنها بدون توجه به تعدد اتومبیل‌هایی که در حرکت هستند از يك طرف خیابان به طرف دیگر آن می‌روند. در يك چنین شرایطی به



دلیل اینکه اتومبیل‌ها مجبورند به عابرین پیاده اجازه عبور دهند، جریان رفت و آمد اتومبیل‌ها کند می‌گردد و حتی بیشتر اوقات بند می‌آید.

پل‌های مخصوص عابرین پیاده بر روی قسمت سواره‌رو خیابان جالب است، به طوریکه موتورسیکلت‌ها نیز می‌توانند از آنها بالا بروند و در سمت دیگر خیابان پائین آیند. برای آنها سربالایی به شکل مارپیچ یا حلزونی بدون پله در نظر گرفته شده است. تعداد زیادی از موتورسواران، بویژه نوجوانان از همین پلها برای عبور به سمت دیگر خیابان استفاده می‌نمایند. تعداد زیادی از پلهای مخصوص عابر پیاده که بر روی قسمت سواره‌رو خیابان ساخته شده است به صورت رو بسته می‌باشند، یعنی دارای سرپوشی به صورت بام هستند، اما تعدادی از این پلها هم روباز هستند. کنترل رفت و آمد اتومبیل‌ها در چهارراهها و میادین شهر با کمک چراغهای راهنمایی انجام می‌شود. ولیکن نحوه بهره‌برداری از این چراغها با کشور ما تفاوت دارد. در چهارراه‌های حساس و چهارراه‌هایی که ترافیک سنگین می‌باشد چراغهای قرمزی را نصب می‌کنند. تعداد این چراغها شش عدد است که در دو ردیف سه تایی بر روی



قسمت سواره‌رو خیابان نصب می‌شوند. این چراغها در هنگام روشن بودن سیگنال‌هایی را در وضعیت چشمک‌زن از خود منعکس می‌نمایند، به طوریکه این چراغهای قرمز به طور متناوب روشن و خاموش می‌شوند. به نظر من، یک چنین نحوه استفاده از چراغهای راهنمایی قرمز جهت تأمین امنیت در رفت و آمد وسایل نقلیه موتوری به مراتب مؤثرتر از بهره‌برداری از فقط یک چراغ راهنمایی است که بطور مداوم روشن قرار دارد. در کشور ما فقط مأمورین خطوط راه‌آهن در معابر و گذرگاه‌ها از چراغهای راهنمایی قرمزی که بطور متناوب روشن و خاموش می‌شوند، بهره‌برداری می‌کنند.

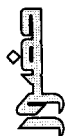
وضعیت جاده‌های ایران بدان‌گونه می‌باشد که برای رانندگان این امکان را فراهم می‌نماید که بتوانند هر لحظه سرعت وسیله نقلیه خود را افزایش دهند. ایرانیان قادر هستند که جاده‌های اتومبیل‌رو خوبی را احداث نمایند. عبور و مرور از اتوبانهای خارج از شهر با پرداخت مالیات صورت می‌گیرد. در بخش خروجی شهر یک مرکز کنترل و اجازه عبور وجود دارد که در آنجا رانندگان مالیات نه چندان زیادی را برای عبور می‌پردازند و سپس اجازه عبور از آن را دریافت می‌نمایند.



مردان و درب عقبی آن جهت پیاده و سوار شدن زن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. سالن اتوبوس از داخل جهت نشستن مردان و زنان توسط جداره‌ای تفکیک نشده است، ولیکن دارای میله‌ای است که مرز میان بخش مردان و زن‌ها را مشخص می‌نماید. حتی اگر در یکی از نیمه‌های سالن اتوبوس پراز مسافر مرد باشد و نیمه دیگر آن خالی باشد، هیچکس حق ندارد نیمه خالی خانم‌ها را اشغال کند. اینکار توسط اسلام منع شده است. اسلام بدین ترتیب نظم و آرامش و مقررات را میان مردم برقرار می‌کند. همچنین

در شهرهای ایران اتوبوسهای برقی و قطارهای برقی وجود ندارد. ایاب ذهاب مسافران در شهرهای ایران به وسیله اتوبوس و تاکسی صورت می‌گیرد. تعداد زیادی از اتوبوسها در آنجا دو طبقه هستند. قیمت بلیط برای عبور و مرور در شهر با وسایل نقلیه ناچیز می‌باشد.

زن‌ها و مرد‌ها در داخل کلیه اتوبوس‌ها بطور جداگانه می‌نشینند، به طوری که مردان در نیمه اول سالن اتوبوس و زن‌ها در نیمه دوم سالن آن می‌نشینند. به همین ترتیب، درب جلویی اتوبوس برای پیاده و سوار شدن



هر ایستگاه اتوبوس توسط جداره‌ای به دو قسمت تقسیم شده است: يك بخش برای آقایان و بخش دیگر جهت خانمها. اما هر دو بخش مذکور در زیر يك سقف قرار دارد. هنگامیکه اتوبوس به ایستگاه نزدیک می‌شود، مردان در نیمه مخصوص خود و زنهای نیز در نیمه مخصوص بخود منتظر سوار شدن می‌شوند. هنگامی که مسافری در ایستگاه منتظر اتوبوس هستند، آنها در آنجا به همان ترتیبی که در کشور ما مرسوم است، یعنی بصورت ادغام و تنگ همدیگر نمی‌ایستند، و هنگام سوار شدن بر اتوبوس مردها فقط از درب جلویی اتوبوس و زنهای از درب عقب آن استفاده می‌نمایند. بلیط فقط در ایستگاه‌های اتوبوس فروخته می‌شود، به طوری‌که در هر ایستگاه يك باجه فروش بلیط مخصوص آقایان و يك باجه فروش بلیط مخصوص خانمها وجود دارد. يك چنین نحوه سازماندهی مسافران، یعنی خدمات رسانی به مسافری مرد و زن بطور جداگانه با موازین شرع اسلام مطابقت دارد و بسیار صحیح و عادلانه می‌باشد. از نظر من نیز قوانین و مقررات مسلمانان به همین ترتیب باید باشد. هیچکس حق ندارد که موازین و قوانین اسلام را مورد بحث و بررسی قرار دهد و یا آن را مورد نکوهش قرار دهد، فقط این کافران



هستند که از موازین و احکام اسلام خوششان نمی‌آید.

در ایران برخلاف چیزی که شایع شده است، می‌توان تعداد بسیار زیادی از زنهای را در پشت فرمان اتومبیل مشاهده کرد. خانمها در خیابانها و مکانهای عمومی با حجاب، یعنی با پوششهای مخصوص مشکی که آنها را از سرتاپا می‌پوشاند، حاضر می‌شوند. بطوریکه فقط صورت و پنجه‌های دست آنان پیدا می‌باشد. امام خمینی در این رابطه می‌گفت: «در اسلام زن باید دارای پوشش اسلامی (حجاب) باشد، اما هیچ اجباری نیست که آنها سرتاپای خودشان را با پوشش سیاه رنگی بپوشانند. هر نوع لباسی که بتواند به عنوان حجاب مورد استفاده قرار گیرد، قابل قبول می‌باشد». این کلمات قصار و سخنان ارشادی امام خمینی بر پایه دستورات خداوند می‌باشد. خداوند متعال در این ارتباط می‌فرماید: «ای پیغمبر، به همسرانت، دخترانت و زنان مؤمنان بگو که خودشان را با حجاب بپوشانند تا از تعرض و جسارت هوسرانان در امان باشند، که این به صلاح آنها و نشانه عفت آنان است، و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است» (قرآن سوره ۳۳، آیه ۵۹) در تهران يك کلیسای بسیار بزرگ وجود دارد. بخش کوچکی از جمعیت

ایران را مسیحیان تشکیل می‌دهند. در این کشور فقط زنهایی که مسیحی هستند از حجاب اسلامی استفاده نمی‌نمایند.

در ضمن، باید خاطر نشان ساخت که زنان ایرانی در کلیه عرصه‌های حیات سیاسی، اقتصادی، دینی و فرهنگی جامعه بسیار فعال هستند و از آزادی کامل برخوردارند. بطوریکه آنان نیز در مبارزه انقلابی بر علیه رژیم شاه شرکت بسیار فعالانه‌ای را داشتند. امام خمینی برای نقش زنان در جامعه ارزش بسیار زیادی قائل بود و در همین ارتباط می‌فرمود: «من به زنان نیک و نامدار ایرانی افتخار می‌کنم. زنان ایرانی ثابت کردند که آنان نیز در مبارزات در پیشاپیش صفوف و دوش به دوش مردان گام برمی‌دارند و حتی گاهی اوقات از مردان پیشی می‌گیرند».

«ما افتخار می‌کنیم که زنها نیز به همراه فرزندان و جوانان کشور در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و نظامی دوش به دوش مردان در مسیر نیل به سعادت اسلامی شرکت دارند.»

«وقتی من مشاهده می‌کنم که زنان محترم بصورت قاطعانه، دلیرانه و بدون ترس مشکلات و زحمات زیادی را در مسیر نیل به اهدافی که در پیش داریم، متحمل می‌شوند و

گاهی اوقات در راه نیل به این اهداف شهید می‌شوند، اعتقاد و اطمینان کامل پیدا می‌کنم که پیروزی در انتظار ما خواهد بود.»

«ما موفقیت‌های بیشمار را مدیون فعالیت زنان در جامعه هستیم.»

۳- انقلاب اسلامی چه چیزی را به ایران و ملت این کشور اهداء نمود؟

روحانیان ایران بودند که مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه تحت شعار سرتاسری «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» را سازماندهی کردند. در آن زمان ملت ایران شعار «الله اکبر! خمینی رهبر!» را سر می‌داد و در نتیجه مبارزه‌ای سخت، مُصْرَانه و چند ساله و با متحمل شدن هزاران نفر شهید بود که توانست انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند. بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران استقلال خود را بدست آورد و در سال ۱۹۸۰ مناسبات خود را با آمریکا قطع نمود.

ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی آزادی در دین را کسب نمود. در ایران با وجود اینکه زبان رسمی زبان فارسی می‌باشد، اما اقلیت‌های ملی موجود در این کشور آزادانه از زبان و فرهنگ خود استفاده می‌کنند و نه در مدارس و نه در رادیو و تلویزیون هرگز به حقوق آنان لطمه‌ای وارد



نمی‌شود. زنهای مسلمان ایران آزادانه در کلیه خیابانها و اماکن عمومی با حجاب اسلامی حاضر می‌شوند. دخترها نیز بطور آزاد و با حجاب اسلامی در مدارس، دانشگاه‌ها و همچنین در مساجد حضور می‌یابند. در دوران حکومت شاهنشاهی پهلوی زنان ایرانی بخاطر سیاست ضد دینی خودشان را از شرکت در فعالیتهای اجتماعی دور نگاه می‌داشتند. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که زنان ایران آزادی برای مشارکت در بسیاری از عرصه‌های حیات را کسب کردند. بطور مثال، ما در طول مدت اقامتمان در ایران مشاهده نمودیم که زنان ایرانی در فروشگاههای بزرگ به عنوان فروشنده، در هتل‌ها به عنوان پرسنل خدماتی، در رادیو و تلویزیون به عنوان گوینده و در ارتباط با سایر فعالیتهای اجتماعی کار می‌کردند. اما در هیچ جای ایران ندیدیم که کارهای سخت فیزیکی همانند باربری، حفاری در معادن زیرزمینی و ... و یا کارهایی که در شأن زنان نباشد (همانند نظافت‌چی و معابر عمومی، رُفتگری در اماکن اجتماعی و غیره) را به زنان واگذار کنند. در صورتیکه در کشور ما زنان را در سطح بالایی در ارتباط با کارهای کثیف و دور از شأن زنان بکار می‌گیرند، به‌طوریکه در روسیه تعداد زیادی



از زنان به‌عنوان باربر، نظافت‌چی خیابانها، حفر زمین، سوراخ کردن بُن و ... بکار اشغال دارند. و این در حالی است که کارهای منزل و نگاهداری از فرزندان کوچک در خانواده نیز به‌عهده آنان است. این تقریباً کار فیزیکی سنگینی است که يك زن روسی در تمام روزهای کاری با آن روبرو می‌شود.

در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود که در این کشور حکومت اسلامی برقرار شد و این مهمترین هدیه‌ای بود از طرف خداوند متعال به ملت ایران. چنانچه حکومت اسلامی وجود نداشته باشد تفکر انقلاب کردن نیز وجود نخواهد داشت. حکومت اسلامی مبتنی بر ایمان به خداوند یکتا، کتاب مقدس آسمانی «قرآن»، احکام و موازین شرعی و سنت پیغمبر «حضرت محمد(ص)» می‌باشد. قوه قضائیه ایران فقط از منابع و مآخذ اسلام پیروی می‌نماید. امام خمینی در همین ارتباط می‌گفت: «در کشور اسلامی باید قوانین الهی نوع حکومت اسلامی حکمفرمایی کند. جامعه بشری باید قوانین الهی را ملاک عمل قرار دهد و از آنها پیروی نماید.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا حکومت اسلامی ضروری است و حکومت اسلامی چه چیزی را به انسان، جامعه و

کشور اهداء می‌کند؟

در حکومت اسلامی حاکمیت عالی (بالاترین قدرت) به خداوند متعال تعلق دارد. در این نوع از حکومت کلیه قوانینی که جهت توسعه و تکامل جامعه انسانی مورد نیاز می‌باشد، یعنی قوانین اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، فرهنگی، نظامی، دینی و غیره پیش بینی شده است. چنانچه قوانین مذکور را به صورت قراردادی جزو گروه اول از قوانین بنامیم، باید خاطر نشان شود که گروه دوم از قوانین، فیزیک، شیمی، نجوم، ریاضیات، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و ... نیز توسط خداوند پیش بینی شده است.

کلیه قوانینی که توسط خداوند به وجود آمده است، قوانین اسلامی نامیده می‌شوند و تمام دنیایی که در پیرامون بشر قرار دارد مطابق با قوانین اسلام سازماندهی شده است. در این دنیا همه چیز مطیع خداوند متعال بوده و از قوانین او پیروی می‌نماید. خورشید، ماه و ستارگان نیز تابع قوانین اسلام است و بدون کوچکترین تخطی و انحرافی در مدار تعیین شده توسط خدا می‌چرخند. تمام جانوران، نباتات و هر انسانی در گیتی فقط مطابق با قوانین اسلام، یعنی طبق قوانین خداوند توانا متولد می‌شود، زندگی می‌کند و می‌میرد. و هر چیزی که در کائنات وجود دارد

(از يك جسم بسیار بزرگ فضایی گرفته تا کوچکترین ذره‌ای که بر روی زمین وجود دارد) همگی از مقررات و قوانین الهی تبعیت می‌نمایند.

خداوند متعال به بشر هوش، عقل، درک، فهم، قدرت تفکر اعطاء نمود. همچنین به انسان آزادی انتخاب و آزادی عمل را ارزانی داشت. به طوری‌که، انسان در طول زندگی خود توانست پرده از قوانین گروه دوم بردارد و ضمن فراگیری، آنها را مورد بهره‌برداری قرار دهد. برپایه همین قوانین است که فرهنگ، معارف، علم و روند تکنولوژی توسعه می‌یابد. این بُعد مادی جهان است که همه مردم به دنیا به آن اعتقاد دارند.

از آنجائیکه به بشر آزادی انتخاب اعطاء شده است، او به صلاح‌دید و تشخیص خود تصمیم می‌گیرد، یعنی از خداوند قادر اطاعت و فرمانبرداری می‌نماید و زندگی را مطابق با قوانین الهی (طبق گروه اول قوانین) تشکیل می‌دهد و یا از اطاعت خداوند سرباز می‌زند و جهت تشکیل زندگی خود از قوانین خاصی تبعیت می‌کند.

چنانچه بشر خداوند را قبول نماید و به او اعتقاد داشته باشد، باید در زندگی خود قوانین الهی پیامبر اسلام «حضرت محمد(ص)» و کلیه پیامبران دیگر را بدون



توجه به وابستگی و هویت ملی بپذیرد. در این صورت است که او می‌تواند به عنوان يك مسلمان مؤمن و واقعی به حساب آید. مسلمان کسی است که به صورت آگاهانه، مطابق با اراده شخصی خود و بدون اجبار تسلیم خالق خود گردد.

اشخاصی جزو گروه دوم محسوب می‌شوند که مسلمان به دنیا آمده‌اند، ولیکن بعدها کافر شده‌اند. اینها از خالق خودشان تبعیت نمی‌نمایند، یعنی به خدای قادر و توانا ایمان ندارند. این اشخاص عهدشکن بوده و جزو کافران محسوب می‌شوند.

خداوند یکتا آفرینندهٔ انس و جن می‌باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که او به چه منظور آنها را بوجود آورده است؟ خداوند متعال برای پاسخ به این سؤال در قرآن می‌فرماید: «من جن و انس را آفریدم برای اینکه مرا بپرستند (قرآن سورهٔ ۵۱، آیهٔ ۵۷)».

آیا تمام انسانها و اجنهٔ خداوند را مورد پرستش خود قرار می‌دهند؟ مسلماً این طور نیست. درست به همین دلیل است که خداوند به صورتی بسیار منصفانه تمام انسانها را بر روی زمین فقط به دو گروه تقسیم می‌نماید. يك گروه همان مسلمانان هستند که خداوند یکتا را پرستش می‌نمایند و کلیهٔ تکالیف الهی را انجام می‌دهند، و گروه دیگر



همان عهدشکنان بوده و جزو کافران محسوب می‌شوند.

بزرگترین خوشبختی و سعادت برای بشر همانا مسلمان بودن است. خداوند قادر به مسلمان بهزیستی، کامیابی و رفاه بر روی زمین اعطاء می‌نماید و در جهان آخرت باغهای بهشتی در انتظار او خواهند بود. در کشوری که حکومت اسلامی برقرار شده باشد، خداوند به ملت این جامعه رفاه و بهزیستی اعطاء می‌کند و کامیابی مردم را در این کشور تضمین می‌نماید.

در کشورهایی که حکومتشان اسلامی است، ملت از نظر درستکاری، نظم و ترتیب و پرورش با موازین اخلاقی ممتاز بوده و در سطح عالی قرار دارد. به همین دلیل، ملتی که طبق قوانین اسلامی تربیت شده است به جنایت و تبهکاری دست نمی‌زنند، اموال و دارائی دیگران را به سرقت نمی‌برد، مشروبات الکلی استعمال نمی‌نماید، قمار بازی نمی‌کند، نسبت به دیگران اقدام به کلاهبرداری نمی‌نماید، ناسزا نمی‌گوید، دیگران و حتی حیوانات را از خود نمی‌رنجاند و همچنین هیچگونه آزار و اذیتی را که توسط اسلام منع شده است، انجام نمی‌دهد. جمهوری اسلامی ایران نیز از برکت حکومت اسلامی در عرض ۲۰ سال

حیات خود پس از برقراری انقلاب اسلامی در این کشور، کشوری ثروتمند و پیشرفته از هر لحاظ شد.

در همه جای کشور ایران قوانین و مقررات اسلامی حکمفرما است. ما پیشوایان دینی مسلمانان روسیه فدراتیو با حضور خود در ایران خیلی چیزها را دیدیم و نسبت به آنها آگاهی کامل پیدا کردیم. ملت ایران به عنوان ملتی واقع بین و هوشیار است که به استعمال مشروبات الکلی و اشاعه فسق و فساد دست نمی زند. در این کشور در هیچ جای مشروبات الکلی فروخته نمی شود و هیچ کس آن را استعمال نمی نماید. ما با حضور خودمان در ایران متقاعد شدیم و اطمینان حاصل کردیم که اسلام حقیقتاً هدایت کننده انسان و جامعه به راهی راست و درست می باشد. اسلام انسانهایی با موازین اخلاقی بسیار عالی را تربیت و پرورش می نماید. فقط قوانین الهی است که قادر است بشر را اصلاح نموده و جامعه را هدایت کند. هیچ قانون دیگری که بدون احتساب موازین اسلامی توسط انسان بوجود آمده باشد موفق به اصلاح بشر و هدایت جامعه به راهی صحیح نخواهد شد. قوانینی که توسط بشر بوجود می آید نارسا و ناقص بوده و دائمی نمی باشند، یعنی غالباً تغییر می یابند، منسوخ

□ «دیمیتری ژوکف» در کتاب خود موسوم به «امام خمینی» می نویسد: «امام خمینی به عنوان رهبر عظیم دینی و حکومتی ایران بود. ایشان ضمن اینکه رهبر دینی کشوری بزرگ و ثروتمند بود، در بالاترین سطح حکومت (قدرت) ایران قرار داشت. او همواره به سیاستی که کاملاً تابع حقوق و قوانین الهی بود، با احترام خاصی می نگریست»

می‌شوند و یا مورد اصلاح مجدد قرار می‌گیرند. در صورتی که قوانین الهی هزاران سال است که بدون کوچکترین تغییری عمل می‌نمایند. به طور مثال، شخص درس نخوانده‌ای که در صحرای عربستان به دنیا آمد و تمام عمر خود را در آنجا بسر برده است، یعنی پیامبر ما «حضرت محمد(ص)» ۱۴ قرن پیش قوانین الهی و موازین شرع را به اعراب و سایر ملت‌ها آموخت و در آنجا موازین اخلاقی و رفتاری و همچنین قوانین سیاسی، اقتصادی، حقوقی و ... را ترویج داده در صورتی که دانشمندان عصر کنونی ما هنوز نتوانسته‌اند که با اتکاء به دانش و تجربه بسیار زیاد زندگی خود حتی يك حکم الهی را که به تجدید نظر و تغییر احتیاج داشته باشد، پیدا کنند. آنها با گذشت چند هزار سال قادر نیستند که حتی یکی از قوانین الهی را منسوخ نموده و یا قانون دیگری را جایگزین آن بنمایند.

امام خمینی در این باره می‌گوید: «اگر شما اهداف الهی را تعقیب نمایید، در این صورت کامیابی و رفاه مادی نصیب شما خواهد شد. هر کشوری که پیرو و پایبند قوانین اسلام باشد، بدون شك پیشرفته‌ترین کشور خواهد شد.»

ملت ایران در رفاه، سعادت و کامیابی بسر



می‌برد، زیرا مطابق با قوانین الهی گام برمی‌دارد. حقیقتاً اسلام بعنوان بهترین نوع زندگی بشریت است.

رهبر کبیر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

روح الله الموسوی خمینی در تاریخ ۲۴ «سپتامبر» سال ۱۹۰۲ در شهر کوچکی بنام «خمین» که در فاصله سیصد کیلومتری جنوب تهران واقع شده است، به دنیا آمد. نام خانوادگی اولیه او «مصطفوی» بود، ولیکن او شهرت خود را بعدها به «خمینی» تغییر داد که از شهری که در آن متولد گردیده است، گرفته شده است. او فرزند ششم خانواده بود. هنگامی که پنج ماه از تولدش گذشته بود، پدرش دارفانی را وداع نمود و هنگامی که پانزده سال بیش نداشت مادرش وفات یافت. امام خمینی در یکی از مدارس دینی مسلمانان شهر قم تحصیل نمود، سپس در همین حوزه علمیه بعنوان یکی از اساتید بزرگ و مطرح علوم الهیات شد. بالغ بر ۴۰ سال از زندگی امام خمینی با شهر «قم» در ارتباط می‌باشد. او هفت فرزند داشت که دو تن از آنها در دوران کودکی فوت نمودند، اما دو پسر و سه دختر او تحت نظرش تربیت و بزرگ شدند. پسر بزرگ امام «مصطفی» در

دوران رژیم شاه در سن ۴۶ سالگی شهید شد. امام خمینی در همین ارتباط گفت: «من فرزند تنی خود را از دست دادم، اما افتخار می‌کنم که اسلام يك چنین فرزندان فداکار و از خود گذشته‌ای را دارد».

امام خمینی در سن ۳۵ سالگی به زیارت خانه خدا در مکه رفت. او در سال ۱۹۶۲ فعالیت انقلابی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. به همین دلیل بود که تحت تعقیب و آزار قرار گرفت و در همین ارتباط وی را چندین مرتبه دستگیر نمودند و از ایران تبعید کردند. بدین ترتیب، او مجبور شد که مدت سیزده سال در عراق و مدتی را هم در فرانسه بسر برد. ولیکن در تمام طول این مدت حتی يك روز را هم دست از سازماندهی انقلاب اسلامی در ایران و هدایت انقلابیون مسلمان این کشور برنداشت. او به طور مستمر با مراکز دینی و الهیات ایران در ارتباط بود. تمام ملت ایران به رهبری روحانیت این کشور از امام خمینی در مبارزه با رژیم شاه حمایت و پشتیبانی می‌نمود. تا اینکه سرانجام پیروزی از راه رسید و اسلام پیروز شد. در تاریخ ۱۱ «فوریه» سال ۱۹۷۹ انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید. امام خمینی به مدت ۱۰ سال رهبر انقلاب اسلامی بود. او در تاریخ ۴ «ژوئن» سال ۱۹۸۹ در سن ۸۷

سالگی وفات یافت. وی را در قبرستان شهدای انقلاب اسلامی ایران طبق مقررات و قوانین اسلام به خاک سپردند.

اعتبار و وجهه امام خمینی آنقدر زیاد بود که وقتی از تبعید (از فرانسه) به ایران بازگشت، نزدیک به شش میلیون نفر در فرودگاه «مهرآباد» به پیشواز او آمدند. همچنین هنگامی که وفات یافت در حدود نه میلیون نفر در مراسم بختک سپاری و خداحافظی با او شرکت داشتند.

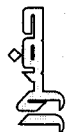
بر روی مزار او آرامگاهی با گنبد زرین و مسجدی با چهار مناره ساخته شده است. در کنار مزار او هیچگونه پاسداری وجود ندارد، همچنین ورود بداخل مسجدی که مزار امام خمینی در داخل آن قرار دارد، آزاد می‌باشد. امام خمینی وظیفه خود را در قبال ملت ایران با افتخار انجام داد. او با کمک خداوند توانست برای ملت کشورش استقلال راستین، آزادی و افتخار در جهان را فراهم نماید. وی در تمام طول زندگی با افتخار خود حتی يك قدم هم از موازین و احکام اسلام و سنت پیغمبر «حضرت محمد(ص)» عقب‌نشینی نکرد. او معلمی منحصر به فرد و ناطقی عالی بود. او شاگردانی را تربیت کرد که همگی حاضر بودند جان خود را فدای اسلام کنند. امام خمینی در تاریخ ایران



بعنوان نخستین رهبر حکومتی از بین روحانیت بود که هرگز روش زندگی خود را تغییر نداد.

او پس از اینکه رهبر کشور جمهوری اسلامی ایران شد در خانه‌ای کوچک و محقرانه که آن را اجاره نموده بود، زندگی می‌کرد. یکی از نویسندگان روسی «دیمیتری ژوکف» که عضو فرهنگستان علوم روسیه می‌باشد در کتاب خود موسوم به «امام خمینی» در ارتباط با نحوه زندگی امام خمینی این گونه می‌نویسد: «امام خمینی به عنوان رهبر عظیم دینی و حکومتی ایران بود. ایشان ضمن اینکه رهبر دینی کشور بزرگ و ثروتمند بود، در بالاترین سطح حکومت (قدرت) ایران قرار داشت. او همواره به سیاستی که کاملاً تابع حقوق و قوانین الهی بود، با احترام خاصی می‌نگریست».

در تاریخ ۸ «ژانویه» سال ۱۹۸۹ نخستین رئیس جمهور روسیه فدراتیو «میخائیل گورباچف» هیئت ایرانی را که حامل پیام رهبر حکومت جمهوری اسلامی ایران «امام خمینی» بود، به حضور پذیرفت. در این نامه گفته شده بود: «... بدون شك اولین کاری که به منزله موفقیت در اقدام شما خواهد بود، همانا بررسی مجدد سیاست پیشینان شما است که عبارت از انکار و روی گردانی از



خداوند متعال و دین می‌باشد. قطعاً همین موضوع است که شدیدترین ضربه را به ملت و حکومت شوروی وارد نموده است. عدم ایمان واقعی به خداوند یکتا مشکل اصلی شماست. کمونیسم پس از اینکه موفق نشد جامعه‌ای عادل و منصفانه را تشکیل دهد، پوسید. به طوری که منبعده باید در موزه‌های تاریخ سیاسی کمونیسم را جستجو کرد. من از شما درخواست می‌نمایم که به مطالعه و پژوهش در راستای اسلام توجه خاصی را مبذول دارید. مگر مذهبی که ایران به صورت دژ تسخیرناپذیری در برابر ابرقدرتها درآورده است، برای ملت در حکم افیون است؟ مگر می‌توان مذهبی را که دارای نیت برقراری عدل و انصاف در جهان می‌باشد برای ملت افیون نامید؟» هنگامی که ادوار شیوارد نادزه (او در آن زمان پست وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی را اشغال نموده بود) به عنوان فرستاده میخائیل گورباچف همراه به نامه جوابیه ایشان در جمهوری اسلامی ایران حضور یافت، توسط امام خمینی در سالن مجلل يك قصر باشکوه که به رهبر حکومت اختصاص داده شده باشد، به حضور پذیرفته نشد. امام او را در دفتر کار خود که اندازه آن ۱۲ متر مربع بود و در خانه کوچکی که از خشت و کاهگل

ساخته شده بود، ملاقات نمود. این خانه کوچک و محقر در شمال حومه تهران قرار داشت و امام خمینی به همراه خانواده خود در آن کار و زندگی می کرد. در داخل دفتر کار ایشان يك ميز پایه کوتاه همراه با قرآن و تسبیحی بر روی آن، صندلی، روزنامه، رادیو و سجاده عبادت قرار داشت. امام خمینی تنها صندلی موجود در داخل این اتاق را به ادوارد شیوارد نادره تعارف نمود همراهان ادوارد شیوارد نادره که جزو صاحب منصبان عالی حکومتی بودند نیز مجبور شدند بر روی كف اتاق بنشینند. در آنجا برای هر يك از آنان يك فنجان چای و دو جبه قند آوردند و بدین ترتیب از آنان پذیرایی بعمل آورده شد. ما پیشوایان دینی مسلمانان روسیه فدراتیو نیز در این اتاق ساخته شده از خشت و گاه گل حضور پیدا کردیم و از آن دیدن نمودیم. وضعیت داخل این اتاق دقیقاً به همان ترتیبی است که «دیمیتری ژوکف» آن را در کتاب خود توصیف نموده است. در گوشه اتاق او يك تخت كوچك و چنانچه دقیق تر بگویم يك نیمکت راحتی (کاناپه) قرار داشت که امام خمینی بر روی آن استراحت می کرد. همچنین در این اتاق يك ميز كوچك، و يك صندلی بود که در واقع مبلمان دفتر کار كوچك و محقر او را تشکیل می داد.

دفتر کار او توسط پل فلزی کوچکی به حسینیه ای متصل بود که امام همیشه از طریق همین پل برای نماز خواندن به حسینیه مذکور می رفت.

امام خمینی می فرماید: «شادمانی و خرسندی ارتباط با خدای یکتا، انجام دعا و نمازهای یومیه در چندین نوبت، اجرای وصایای پیامبر «حضرت محمد(ص)» باعث اصلاح هر شخصی می شود، و اصلاح همین اشخاص است که منجر به اصلاح کل جامعه می شود».

دین اسلام توسط خداوند به منظور اصلاح و پرورش بشر نازل شد. فقط اسلام است که می تواند سعادت و رفاه در جامعه را تأمین نماید و تمام مشکلات جامعه را برطرف کند. امام خمینی می گفت که مسلمانان باید طبق موازین اسلام و قرآن عمل کنند. اسلام پاسخگوی تمام مسائل و موضوعات مربوط به تکامل و پرورش بشر است. قرآن کتاب تربیت انسانها می باشد. در دنیا هیچ مدرسه ای بالاتر از قرآن نیست.

امام خمینی در وصیت نامه خود از مسلمانان دعوت نمود از خود در برابر دشمنان اسلام دفاع کنید. ضمن تشکیل و سازماندهی جمهوریهای آزاد و مستقل برای کشورهای خودتان، به سمت حکومت



اسلامی برويد. چنانچه شما بخاطر تشكيل حكومت اسلامي در خدمت خداوند متعال باشيد، او نيز يار و پشتيبان شما خواهد بود. من با قلبي آسوده و با خيالي راحت از شما خواهران و برادران ديني خود وداع مي نمايم و با اميدواري نسبت به رحمت خداوند يكتا به سوي جهان ابدي مي شتابم. من به دعاهاي خير شما بسيار محتاجم». (از وصيتنامه روح الله موسوي خميني به تاريخ ۲۶ «بهمن» سال ۱۳۶۱ مصادف با ۱۹۸۳ ميلادي) امام خميني به پسرش «سيد احمد خميني» مأموريت داد كه پس از مرگش اين وصيتنامه را بخواند.

امام خميني اين جهان فاني را ترك كرد و بخاطر كسب رضاي حق تعالي، يعني بخاطر چيزي كه تمام عمرش را مبارزه و تلاش مي كرد، از اين جهان به سوي خداوند متعال رفت (لطف و رحمت خداوند شامل او باد!) انقلاب اسلامي ايران كه تحت رهبري امام خميني به سرانجام رسيد، در تاريخ اين كشور به عنوان رويداد برجسته اي بود كه در تمام دنيا تأثير بسيار زيادي را از خود باقي گذارد.

فهرست منابع و مآخذی که مورد استفاده قرار گرفتند:

۱. مقالات «در وطن امام خمینی» (این مقالات در روزنامه «آوانگراد» در ناحیه کاتاف - ایوانفسکی واقع در استان «چیلیابین» منتشر شده است. نویسنده مقالات مذکور «ای.خ. ایگیزیانف» در سال ۱۹۹۹ بود.
۲. مقاله «بهار آزادی»، ضمیمه مجله «بولتن» «نگاه سوم» كه توسط سفارت ایران در مسكو منتشر می شود. این مقاله در بولتن سال ۱۹۹۴ در مسكو منتشر شد.
۳. كتاب «ای. ای. سیلیوانف» موسوم به «زیر آسمان آبی ایران»، مسكو، سال ۱۹۹۵.
۴. كتاب «سخنان، كلمات قصار و پندهای امام خمینی»، تهران، سال ۱۹۹۵.
۵. كتاب «د. آ. ژوکوف» موسوم به «امام خمینی»، مسكو، سال ۱۹۹۹.
۶. كتاب «عبدالعلاء المؤدودی» موسوم به «اصول اسلام»، مسكو، سال ۱۹۹۳.

